

اندازه بهینه دولت در کشورهای منتخب اسلامی^۱

دکتر یدالله دادگر*

روح‌الله نظری**

چکیده

اندازه دولت و میزان بهینه آن از مقوله‌های بسیار اساسی در اقتصاد بخش عمومی است. در این مقاله اندازه بهینه دولت برای کشورهای منتخب اسلامی با روش پیشنهادی آرمی بررسی می‌شود. آزمون رگرسیون هم به صورت پانل و هم برای هر کشور به طور مجزا با استفاده از داده‌های سری زمانی انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد که اندازه دولت برای برخی کشورهای اسلامی کمتر از حد بهینه و برای برخی دیگر بیشتر از حد بهینه است و تنها در تعداد بسیار اندکی از کشورهای اسلامی بهینه است.

۱- تاریخ دریافت: ۸۶/۱۰/۲۳؛ تاریخ تأیید: ۸۶/۱۱/۱۷.

* . عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی؛ Y_dadgar@sbu.ac.ir

** . کارشناس ارشد علوم اقتصادی.

واژگان کلیدی:

دولت، بهینه، رشد اقتصادی، کشورهای اسلامی و منحنی آرمی.

طبقه‌بندی JEL:

H21 ، H11

مقدمه

با شروع دهه ۱۹۲۰ بحران اقتصادی در بسیاری از نقاط جهان، به ویژه در کشورهای توسعه یافته، تحولات جدیدی در اقتصاد کشورها به وجود آورد. این بحران تا حدود زیادی اصول اولیه اقتصاد لسفری را زیر سؤال برد. به دنبال شکست نظام اقتصاد کاملاً آزاد در ایجاد تعادلهای اقتصادی، دولت به عنوان هدایت کننده و کنترل کننده فعالیتهای اقتصادی و همچنین به عنوان عمل کننده اقتصادی مطرح شد. زیرا رشد و توسعه اقتصادی برای بسیاری از کشورها به عنوان یک اصل اساسی مطرح بوده که در مواردی بخش دولتی را به تنهایی یا به همراه بخش خصوصی تأمین کننده آن قلمداد می شود. وجود این پدیده و تحلیل آثار کارکردی آن در طول زمان منجر به ظهور سؤالاتی در این ارتباط شد که چه بخشی با چه حد از فعالیت های اقتصادی دولت می تواند بالاترین رشد اقتصادی و بهترین تخصیص منابع را ایجاد نماید.

مطالعه اثر اندازه دولت بر عملکرد کلی اقتصاد و رشد و توسعه اقتصادی از مباحث کلیدی در نظامهای اقتصادی است. عده ای معتقدند که بزرگتر بودن اندازه دولت برای کارآیی تولید و رشد اقتصادی زیان آور است؛ زیرا نخست عملکردهای دولت اغلب به صورت غیرکارآ اداره و اجرا می شوند؛ دوم تعدیل سیستمهای مختلف دولتی روی اقتصاد کشور، هزینه زیادی را وارد می کند؛ سوم بیشتر سیاستهای مالی و پولی دولت به سمت انحراف انگیزه های اقتصادی و پایین آوردن سطح کارآیی تمایل دارد.

اما عده ای دیگر در مقابل این دیدگاه معتقدند که دولت نقش حساسی در مراحل توسعه اقتصادی دارد و استدلال می کنند که دولت، موتور توسعه اقتصادی است؛ زیرا نخست نقش دولت در هماهنگی تضادهای بین بخش خصوصی کلیدی است؛ دوم ممانعت از استثمار اقتصادی کشور توسط بیگانگان از امور حیاتی است که بدون

وجود دولت امکان‌پذیر نیست؛ سوم تقویت سرمایه‌گذاری ملی و فراهم کردن رهبری مؤثر اجتماعی برای رشد و توسعه، تنها به دست دولت میسر است. بررسی اندازه دولت و به‌ویژه اندازه بهینه دولت می‌تواند سنجشی از کارایی بخش عمومی محسوب شود. از این‌رو این مقاله اندازه بهینه دولت مرکزی را در برخی کشورهای اسلامی بررسی می‌نماید.

۱- دولت و اندازه آن از منظر اسلامی

از نظر متفکران و مکاتب فکری مختلف اسلامی دولت عبارت از یک نظام سیاسی یکپارچه و با نوعی هویت معنوی است که بر مبنای سرزمین مشخص تکوین می‌یابد. بنابراین ارکان دولت شامل الف. کشور (سرزمین و جغرافیایی مشخص)؛ ب. مردم (افراد جامعه که به یک نظام حکومتی، وابسته می‌باشند)؛ ج. نظام (مجموعه نهادها و قوانینی که روابط داخلی جامعه را تنظیم می‌کند) و سرانجام د. سلطه (دستگاه حکومت) می‌باشد.

بر این اساس، هر سرزمینی که در آن، نظام اسلامی حکومت کند، وطن اسلامی شمرده می‌شود. هر جامعه‌ای که روابط آن بر اساس اخلاق، احکام و دستورات اسلامی تنظیم شده باشد و مردم آن به اسلام ایمان داشته باشند، ملت مسلمان نامیده می‌شود. هر حکم و دستوری که از مبانی و احکام اسلامی سرچشمه گرفته باشد حکم اسلامی محسوب می‌شود. هر قدرتی که اداره حکومت را بر اساس اندیشه و نظام اسلامی به عهده گیرد، حکومت اسلامی به شمار می‌رود (ابی‌یعلیٰ ۱۴۰۶).

به نظر می‌رسد اسلام از لحاظ اجرایی، اقتصاد خود را در قالبی مختلط اما به صورتی خاص پیش می‌برد. در نتیجه، هم از اهرمهای بازار استفاده می‌کند و هم بخش دولتی، حضور قابل توجهی در اقتصاد دارد. مناسب است درباره «مختلط بودن به صورت خاص» توضیحی داده شود. البته در حال حاضر می‌توان همه نظامهای اقتصادی را (در عین توجه به شدت و ضعف آنها) در قالب اقتصاد مختلط توضیح داد؛ زیرا در هر صورت، در این نوع سازمان‌دهی، برخی اقدامات توسط خانوارها و

بنگاه‌ها و برخی نیز توسط دولت انجام می‌شود. این روند به‌گونه‌ای است که حتی آمریکایی‌ها اقتصاد خود را مختلط می‌دانند و در مقابل، روسها نیز اقتصاد خود را مختلط می‌دانند. بدیهی است برخی از نظام‌های مختلط (مثل آمریکا)، جهت‌گیری سرمایه‌داری دارند. برخی دیگر (کره شمالی، کوبا و تا حدودی روسیه و چین) سمت‌گیری سوسیالیستی (هر چند کم‌رنگ) دارند. در رویکرد اسلامی نیز دولت در اموری که مبانی مکتب یا مصالح اقتصاد ملی اقتضا کند، دخالت می‌کند؛ اما در غیر این صورت (زمانی که امور عادی زندگی اقتصادی در جریان است) کار دولت هدایت کلی و اساسی است. اما همان‌گونه که خواهیم دید در هر دو مورد و حداقل در اندیشه ثوریک، دولت اسلامی حضوری قانون‌مند و تعریف‌شده دارد.

هم تجربه اقتصاد صدر اسلام و هم مفاد بسیاری از آیات و روایات، بازگوکننده این واقعیت است که: نخست دولت به‌طور عمده در راه هدایت، یاری رساندن و قانون‌مند کردن فعالیت بخش خصوصی و بازار پیش می‌رود؛ دوم نقشی پدران، محبت‌آمیز و در مواردی اخلاقی در برابر کارگزاران خصوصی و بازار ایفا می‌کند؛ سوم به‌امور عقلایی اقتصاد و تجربیات مفید دیگران توجه دارد و برخی از آنها را هرچند مربوط به اسلام هم نبوده باشد، تأیید می‌کند؛ چهارم مشاغل و پستهای دولتی در اسلام نوعی وظیفه و مسئولیت محسوب می‌شود و لزوماً امتیازی برای دولت‌مردان و رهبران احزاب و گروه‌ها به‌حساب نمی‌آید؛ پنجم پیامبران و ائمه (ع) در مسند حکومت، از یکسو، خود به‌گونه‌ای زندگی می‌کرده‌اند که در سطح پایین‌ترین اقشار جامعه قرار داشتند و از سوی دیگر، نظارتی دقیق بر کارگزاران خود اعمال می‌کردند. آنها حتی از مردم می‌خواستند که عیوب و نواقص دولت‌مردان را آزادانه بیان نمایند. دولت‌مردان صدر اسلام از دخالت‌های نسنجیده در بازار خودداری می‌نمودند و در عین حال، نظارتی فراگیر و جدی بر بازار داشتند.

سه محور کلیدی در مورد شرایط و خصایص رفتار دولت اسلامی بسیار اساسی است. یکی فقدان رفتار مستبدانه از سوی دولت‌مردان است، دیگری اجرای قانون و سومی برقراری عدالت و انصاف می‌باشد. امام خمینی در این رابطه تصریح می‌کند:

فالاسلام لا علی نهج الاستبداد المحکم فیہ رأی الفرد و میولہ النفسانیه علی

المجتمع... فان لزوم الحكومة لبسط العدالة... لا بد في الوالي من صفتين هما
اساس الحكومة القانونية: احدهما العلم و ثانيهما العدالة (امام خميني، بدون
تاريخ).

حضور مسالمت آميز، آگاهی بخش و منضبط پیامبر(ص) و دیگر رهبران صدر
اسلام در میان بازار، همواره ثبات ساز و نظم آفرین بوده است. حمایت از بازاری‌ها
(همانند کاستن از هزینه‌هایی چون مالیات)، نصیحت به گران فروشان و کم فروشان،
کنترل ابزارهای سنجش در بازار، مبارزه با احتکار و رشوه و دیگر مفاسد اقتصادی،
کمک به بازاری‌ها در پیدا کردن مکان مناسب، تلاش در حفظ اموال بازاریان و به ویژه
حفاظت از دارایی‌های تجار و بازرگانان خارجی، تشویق به کار مولد و جلوگیری از
تجمع ثروت در دست گروهی خاص، نمونه‌های این رفتار قانون مند دولت مردان است.
پذیرش درهم و دینار (که پول رایج کشورهای ایران و روم بود) به عنوان پول رسمی
در کشور اسلامی، نهی از کاربرد حيله و نهی از ارائه اطلاعات غلط به خریدار در
معاملات، کاستن یا حذف اجاره‌ی بازار برای جلوگیری از افزایش قیمت‌ها و نهی از
عمل «تلفی ركبان» از دیگر اقدامات قانون مند دولت در صدر اسلام بود که همگی از
پایداری نظم و قانون مندی خاصی حکایت می‌کند (دادگر، ۱۳۸۶، ص ۹۸-۹۹).

با وجودی که رویکردهای گوناگونی در مورد حضور دولت اسلامی در اقتصاد
مطرح است، در این مقاله ادعای ما آن است که دولت در قالب اقتصاد مختلط و در
مسیرهای تعریف شده از نظر عقل و شرع به پیش می‌رود؛ از این رو نه رویکرد
تمامیت خواهی دارد و نه به نوعی تقلیل گرایی افراطی تحویل می‌گردد. در عین حال در
میان رویکردهای محققان به دولت اسلامی هر دو رویکرد تمامیت خواه و تقلیل گرایی
افراطی (هم در نظریه و هم در عمل) وجود داشته و دارد. البته این را بر این مبنا تأکید
می‌کنیم که ما همانند آیت الله صدر، رویکرد اقتصادی اسلام را رویکردی تکثیری (هر
چند به صورتی خاص) می‌دانیم که بر اساس آن هر صاحب نظر اسلامی می‌تواند با
رعایت اصول و قواعد شریعت، مکتب اسلامی خود را در اقتصاد مطرح کند.

مثلاً خود آیت الله صدر حضور دولت در اقتصاد را افزون بر ایجاد توازن اجتماعی
و تأمین حداقل معیشت به عرصه‌های دیگری نیز گسترش می‌دهد که شریعت در آن

وارد نشده، ولی ضرورت عقلانی و عقلایی دارد. در رویکردهای دیگر، دولت باید ابزارهای اقتصادی مستقیم و غیرمستقیم را برای کنترل اقتصادی به کار گیرد. افزون بر این به منظور حصول اطمینان از این امر که منابع تولید به گونه‌ای که از نظر اجتماعی، مطلوب و از نظر اسلامی، مشروع است، تخصیص یابد ضروری است که دولت نقش عمده‌ای را در اقتصاد بازی کند. مثلاً باید اطمینان حاصل شود که فعالیتهای سرمایه‌گذاری بخشهای خصوصی و دولتی منطبق بر اولویتهای اجتماعی و اقتصادی مورد نظر اسلام است. در عین حال دولت باید کنترل و دخالت خود را به نحوی انجام دهد که نضت جنبه مستبدانه پیدا نکند و دوم کارآیی در تخصیص حفاظت شود. سیاستهای مالی، پولی و درآمدی دولت به طور مستقیم و غیرمستقیم بر میزان درآمد و ثروت طبقات مختلف اثر می‌گذارد.

به واسطه پیچیدگی این مسئله، دولت باید اطمینان حاصل کند که مایحتاج اولیه به قیمت مناسب به مردم عرضه شود. کوششهای هماهنگ در راه بالا بردن سطح زندگی فقرا به عمل آورد و امکانات شغلی برای بیکاران فراهم نماید. برخی عقیده دارند که برای حصول به قدرت اجرایی کافی در اقتصاد، دولت اسلامی اختیارات زیادی لازم دارد. مثلاً عرضه بهینه پول توسط دولت مشخص می‌شود. بر اساس این تفکر اهمیت کنترلهای غیرمستقیم پولی به علت حذف ربا به شدت کاهش می‌یابد. این بدان دلیل است که بسیاری از ابزارهای سیاست‌گذاری مانند نرخ بهره وجود ندارد و آنچه به جای آن پیشنهاد می‌شود، مانند تسهیم سود، چندان عملی نیست. در نتیجه محدود شدن اهمیت کنترلهای غیرمستقیم پولی، بر اهمیت سیاستهای مالی در ایجاد زمینه لازم برای بر پا داشتن عدالت اسلامی افزوده می‌شود. به خصوص سیاستهای مربوط به مالیات و مخارج و ابزارهای سیاست‌گذاری مهم، در طبقه‌بندی عمومی کنترلهای غیرمستقیم در می‌آید و این امر یکی از ارکان نیرومندی سیستم اقتصاد اسلامی است:

۱- اگرچه تفکر ابزارهای جایگزین همیشه در کشورهای اسلامی مطرح است (اوراقی نظیر شهامه در سودان، اوراق مشارکت دولتی منتشر شده توسط بانک مرکزی در ایران، صکوک در مالزی و بسیاری از کشورهای دیگر نشان از اهمیت این ابزارها دارد) با این حال به اعتقاد نگارندگان مقاله سیاستهای مالی اهمیت بیشتری نسبت به سیاستهای پولی در بر پا داشتن عدالت اسلامی در کشورهای فوق دارد.

زیرا معمولاً سیاست مالی در ایجاد اشتغال کامل مؤثرتر از سیاستهای پولی است (غفاری، ۱۳۸۳، ص ۲۱-۲۱۹).

در مقابل، متفکرانی چون ابن‌خلدون از دولتی میانه در اسلام دفاع می‌کنند. به عقیده او دولت باید در چارچوبهای محدود و تعریف‌شده حرکت کند و عدم حرکت سازگار و معتدل سبب رکود اقتصادی می‌شود. از نظر ابن‌خلدون وظایف اصلی دولت تحقق امنیت و عدالت است. او تأکید می‌کند که دخالت دولت در امور کسب و کار باعث دلسردی مردم و در نهایت کاهش مالیات پرداختی آنها به دولت خواهد شد. گسترش هزینه‌های تشریفاتی دولت از یکسو فشار بیشتر بر جامعه و از سوی دیگر باعث گسترش تجمل‌گرایی بیشتر دولت‌مردان می‌شود که این امر موجب فشار جدید برای اخذ مالیاتهای غیرقانونی جدید و در نهایت نابودی دولت می‌شود (ابن‌خلدون، بدون تاریخ و دادگر، ۱۳۸۳، ۱۶۰).

در عین حال ابن‌خلدون معتقد است که دولت باید نظارت و کنترل کافی بر جوانب مختلف عرضه اعم از کیفیت و کمیت تولید یا ارائه کالا (که به نحوی به مصالح مصرف‌کننده بستگی دارد) داشته باشد. همچنین نظارت دقیق بر ثروت‌اندوزی ثروتمندان از راه‌های نامشروع، بر عیار سکه‌های رایج در جامعه و موارد مشابه (به‌ویژه در کنترل‌های پولی) داشته باشد. وی همچنین معتقد بود که دولت در زمینه مالیات باید مالیات کمتری ببندد تا بدین وسیله موجب رشد و رونق فعالیتهای اقتصادی شود. به‌طور خلاصه می‌توان نتیجه‌گیری کرد که ابن‌خلدون با تصدی دولت در فعالیتهای اقتصادی موافق نیست. زیرا معتقد است بخش خصوصی توانایی رقابت با آن بخش را ندارد و به ورشکستگی کشانده خواهد شد که نتایج سوء آن به خود دولت برخواهد گشت (مقدمه، دون التاریخ).

متفکر مسلمان دیگر، سیدمحمدباقر صدر دو وظیفه اساسی برای حکومت اسلامی در امور اقتصادی قائل است: اول تلاش برای اجرای عناصر ثابت اقتصادی و دوم قانون‌گذاری و اجرای وظیفه مطابق با شرایط زمانی و مکانی و ظرفیت نظام اقتصادی مربوطه در شرایط متحول است. این دو وظیفه مسئولیتهای مشخصی را برای

احتیاط را رعایت نمود.

نکته اول، سخت‌گیری و انضباط شدید در استفاده از اموال بیت‌المال (خزانه بخش عمومی) و کنترل رفتار دولت‌مردان است. بیت‌المال در صدر اسلام، سفره‌بازی نبود که هر کس بتواند هرگونه بخواهد از آن استفاده کند؛ بلکه درهم به درهم، دارای حسابرسی کافی بود. سوءاستفاده‌کنندگان از بیت‌المال به مجازات می‌رسیدند و در ضمن دولتمرد شدن امتیازی محسوب نمی‌شد تا زمینه‌ای برای بزرگ شدن دولت فراهم شود.

دوم اینکه رهبران صدر اسلام مردم را عادت داده بودند که به‌گونه‌ای زندگی کنند که روی پای خود بایستند و خود را جیره‌خوار بخش عمومی ننمایند. پیامبر (ص) از مردم می‌خواست که به همنوع خود کمک کنند. تنها فقرایی که هیچ راه امرار معاش نداشته و توانایی انجام کار هم نداشتند، می‌توانستند مبلغ ناچیزی از بیت‌المال دریافت کنند (صدر، ۱۹۸۰). به افراد بیکار هم چیزی داده نمی‌شد. این امر نیز باعث می‌شد هزینه‌های دولت افزایش نیابد و زمینه گسترش بخش دولتی فراهم نشود.

سوم اینکه در هنگام بروز فعالیت‌های هزینه‌بر (مانند جنگ) از مردم خواسته می‌شد که حتی‌المقدور امکانات جنگی را خود تهیه کنند. البته اگر امکاناتی از جنگ‌های قبل در بیت‌المال باقی بود، استفاده می‌شد. یعنی پیامبر (ص) نیروی نظامی رسمی و دائمی نداشت و نظامی‌ها در واقع، خود مردم بودند. اگر نبودن نیروی انتظامی رسمی را کنار این واقعیت قرار دهیم که جنگ یک فعالیت تقریباً دائمی در صدر اسلام بود، به دقت و انضباط دولت‌مردان آن زمان پی می‌بریم. به بیان دیگر در آن زمان، هزینه‌های جنگ، دائمی‌ترین و سنگین‌ترین هزینه‌های بخش دولتی بود؛ در عین حال، کارمند و کادر نظامی مستقل وجود نداشت. در این رابطه دست‌کم می‌توان این مطلب را درک کرد که این سیره پیامبر (ص) در عمل روشی برای کوچک‌کردن دولت محسوب می‌شد. باید توجه داشت که در همان زمان، تمدن‌های ایرانی، رومی، چینی، یونانی و... دارای لشکریان مستقل و نیروهای رسمی نظامی بودند. تقریباً در بیشتر حکومت‌های ایرانی، نظامیان قشر معینی را تشکیل می‌دادند (اشپولر، ۱۳۷۳).

چهارم اینکه پیامبر (ص) و دیگر رهبران صدر اسلام با وجود نظارت قابل توجهی که بر بازار و فعالیتهای کسب و کار داشتند، خود را در موارد جزئی کسب و کار مردم، به طور مستقیم درگیر نمی کردند. حتی در بسیاری موارد، از ایشان تقاضا می شد که قیمت کالای خاصی را اعلام کنند، اما آنان به این کار اقدام نمی کردند. مجموعه این افکار و تدابیر نشان می دهد که دولت در اسلام، از نظر ساختار کلی، به کمترین میزان ضروری و ممکن میل پیدا می کند. البته وجود نیروهایی برای نظارت بر عملکرد کارکنان دولت، جمع آوری مالیات، ثبت و ضبط بیت المال و استقرار امنیت از امور ضروری محسوب می شود و هزینه های آنها از بیت المال تأمین می شد. قابل توجه است که دغدغه اصلی رهبران صدر اسلام بیشتر توجه به تأمین حداقل رفاه عمومی، حفظ سلامت جامعه، تحکیم مبانی اخلاقی و تلاش برای شکل گیری یک اقتصاد شرافتمندانه بوده است که با کمک یک دولت حداقل ولی کارآمد، قابل دستیابی است.

۳- اندازه بهینه دولت و ملاحظات مربوطه

برای بعضی از اندیشمندان این مسئله یک تناقض است که چگونه ممکن است یک دولت کوچک تر با مالیاتهای پائین تر منجر به افزایش هزینه کردن دولت در امور عمومی شود. در حالی که این تنها یک تناقض ناست. کشورهایی که دولت کوچک تر و مالیاتهای کمتری دارند سریع تر رشد می کنند. با توجه به این مسئله و دیگر شواهد، نظر اقتصاددانان در حال تغییر است. همین که اندازه دولت از یک میزان معین بهینه بزرگ تر شود، فشار مالیات منجر به کاهش رشد اقتصادی شده و استاندارد سطح زندگی افت می کند. تا یک نقطه ای مخارج دولت موجب شکوفایی رشد اقتصادی می شود. مثلاً هزینه کردن برای جاده ها، راه ها و تأسیسات زیربنایی، برای دادگاه ها تا از حاکمیت قانون صیانت کنند، برای حقوق مالکیت و قراردادهای و برای آموزش ابتدایی و بهداشت تا منجر به ساختن نیروی کار سالم و ماهر شود، یا به طور کلی هزینه کردن برای کالاهای عمومی که کل جامعه را منتفع می کند. از یک نقطه ای به بعد، هزینه های اضافی به طور عمده ضایع خواهند شد. کسری بودجه ها و مالیاتهایی

که آنرا تأمین مالی کند، پیوسته موجب کاهش سرمایه‌گذاری طبیعی و فرصتهای رشد خواهد شد و بالاخره جامعه فقیرتر خواهد شد.

اقتصاددانان بسیاری از کشورها به این نکته پی برده‌اند که دولت بزرگ‌تر، دولت بهتر نیست. رهبران کشورهای در حال رشد به‌طور صریح رشد مخارج بخش عمومی در کانادا و اروپا، متکی به مبانی سیاستهای دولت رفاه را رد می‌کنند.^۱

تحقیق سال ۱۹۹۷ ویتو تانزی^۲ و لوجر شاکنخت^۳ منتشر شد. ۱۲۵ سال تاریخچه مخارج دولت در کشورهای صنعتی را بررسی نموده بود. در سال ۱۸۷۰، مخارج دولتی تنها ۸ درصد اقتصاد یک کشور صنعتی را تشکیل می‌داد. تا سال ۱۹۹۴، مخارج دولتی به‌طور متوسط ۴۷ درصد اقتصاد یک کشور صنعتی غنی را در بر می‌گرفت که بیشتر این افزایش صرف مخارج رفاهی می‌شد. آنها دریافتند که مخارج دولتی مشمول قانون «بازده نزولی» است. وقتی که هزینه‌های دولت از یک حدی بیشتر شود، منافع ناشی از آن کمرنگ شده و کم‌کم از بین می‌رود.

در واقع به‌عنوان یک قاعده کلی، دولتهایی که کمترین میزان افزایش در مخارج را دارند، کارآتر و خلاق‌ترند. کشورهای دارای دولتهای کوچک همچنین درآمد سرانه بالاتری نیز دارند. تانزی و شاکنخت نتیجه‌گیری می‌کنند که در بسیاری از کشورها، جای کاهش قابل توجه هزینه‌های دولتی وجود دارد و هیچ نیازی نیست که مخارج دولتی به‌طور متوسط، از ۳۰ درصد درآمد ناخالص داخلی فراتر رود. تازه این هم ممکن است هنوز زیاد باشد. بین سالهای ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ میلادی نهادهای مختلف وابسته به دولت نیوزیلند به‌طور جداگانه، برای برآورد اندازه مطلوب (بهینه) دولت در آن کشور از محافل دانشگاهی کمک گرفتند. مطالعاتی که به‌روشهای مختلفی انجام شده بودند ادعان داشتند که اندازه تضمین‌کننده حداکثر رشد اقتصادی رقمی بین ۱۵ تا ۲۵ درصد اقتصاد نیوزیلند است (نه رقم ۴۰ درصدی). این مطالعات، توجیهی قوی

۱- به‌عنوان مثال ایرلند که درآمد سرانه‌اش اخیراً از درآمد سرانه کانادا پیشی گرفته است، برای ساختن اقتصادی مطلوب، یک مالیات واحد ۱۰ درصدی را با محدود نمودن فعالیتهای بخش دولتی همراه کرده است. با این حساب اندازه مطلوب دولت، دقیقاً چه مقداری است؟

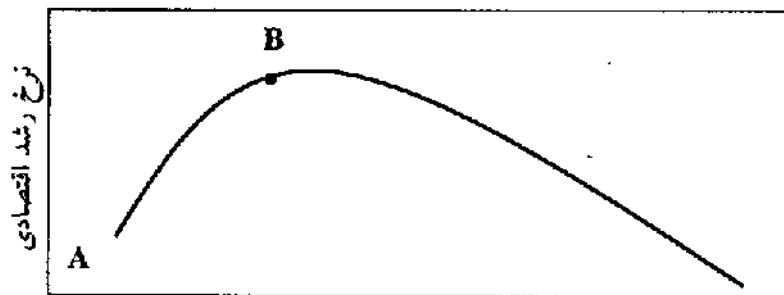
2 - Vito Tanzi.

3 - Ludger Schuknecht.

برای کاهش قابل ملاحظه هزینه‌های دولت فراهم می‌کند. برای یک کاهش ۵۰ درصدی در طول یک دهه، کفایت هر ساله تنها چند درصد از مخارج دولت بکاهیم تا به مزایای رشد اقتصادی سریع‌تر، اشتغال‌زایی بیشتر و سطح بالاتر زندگی دست یابیم. یک اقتصاد بزرگتر، مالیات بیشتری می‌پردازد و علی‌رغم همه آنچه اندیشمندان قرن بیستم گفته‌اند به دولت اجازه می‌دهد، مقدار بیشتری، به‌طور سرانه هزینه کند.

نمودار ۱ نشان می‌دهد که تا نقطه B با افزایش اندازه دولت، رشد افزایش یافته است که شاید دلیل این پدیده را بتوان قانون واگنر دانست که به دو دلیل تا اندازه‌های دولتها نیاز به بزرگ شدن دارند. نخست اینکه؛ هرچه به‌سمت دولت رفاه پیش می‌رویم، با افزایش سطح توقع مردم در مورد امنیت، آموزش، بهداشت و... دولت برای پاسخ‌گویی به این توقع باید هزینه کند و کارآیی و بهره‌وری را افزایش دهد. دوم با رفتن به‌سمت دولت رفاه، سازمانهای دولتی از جمله سازمانهای تأمین اجتماعی و... تمایل به گسترده شدن دارند. پس از نقطه B هرچه اندازه دولت بزرگتر می‌شود، رشد اقتصادی هم کاهش می‌یابد و این بدان معناست که افزایش اندازه دولت تا جدی لازم است اما بعد از آن منجر به کاهش رشد اقتصادی خواهد شد.

نمودار ۱: منحنی اندازه دولت - رشد اقتصادی



اندازه دولت به عنوان سهم از GDP

زمانی که دولت فعالیتهای خود را در زمینه افزایش بهره‌وری انجام می‌دهد، در ابتدا مخارج دولت منجر به رشد اقتصادی می‌شود (از نقطه A تا B) اما افزایش مخارج دولت در نهایت منجر به پایین آمدن رشد اقتصادی خواهد شد (از نقطه B به بعد)

در مجموع می‌توان گفت که وظایف دولت در حال حاضر از محدوده سنتی خود، خارج شده است. برای مثال حضور در پشتیبانی تولید کالاهای عمومی، باز توزیع درآمد، تبیین حقوق مالکیت، سرمایه‌گذاری در امور زیربنایی و امثال آن از کارهای جاری بسیاری از دولتها است. اما مطالعات نشان می‌دهد، رابطه میان اندازه دولت و رشد اقتصادی همواره مثبت نمی‌باشد؛ بلکه به صورت U معکوس است. یعنی در مراحل اولیه رشد، دولت با بسط ساختارهای مورد نیاز اقتصادی (حقوق مالکیت، حفظ امنیت و...) سبب افزایش رشد اقتصادی می‌شود، اما پس از چندی حضور بیش از حد دولت نه تنها بهبودی در روند اقتصادی ایجاد نمی‌کند؛ بلکه سبب کاهش رشد اقتصادی نیز می‌شود. دلیل این امر را می‌توان به کاهش فعالیت‌های بازار و بخش خصوصی نسبت داد. این رابطه غیرخطی میان اندازه دولت و رشد اقتصادی توسط «بارو»^۱ ارائه شده است. بارو (۱۹۹۰) و «کارآس»^۲ (۱۹۹۷، ۱۹۹۶، ۱۹۹۳) متدولوژی ساده‌ای برای بررسی اینکه آیا اندازه دولت نسبت به تولید ملی بهینه است یا خیر، ارائه می‌کند. یکی از دلالت‌های برخاسته از این مدل این است که اندازه دولت نسبت به تولید ملی زمانی بهینه است که تولید نهایی مصرف دولت برابر یک باشد. این نتیجه تحت شرایط گوناگونی درست است. کاراس با به‌کار بردن داده‌های پانل «قانون بارو» را به ترتیب برای ۱۱۸ کشور و اقتصاد کشورهای اروپایی بررسی نمود. نتایج او مبین این واقعیتها هستند که خدمات دولتی در آفریقا بیش از حد و در آسیا کمتر از حد و در اروپا در حد بهینه ارائه شده‌اند. سایر مطالعات کاراس و دیگران در مورد اندازه بهینه دولت در بخش مروری بر مطالعات تجربی ذکر می‌شود. در ادامه منحنی آرمی تشریح می‌شود، زیرا مبنای پذیرفته شده برای دولت بهینه در این مقاله، مدل آرمی است.

۱-۳. توصیفی از منحنی آرمی

بدون دخالت دولت، رشد بالای اقتصادی دست‌یافتنی نیست. از طرف دیگر نیز جوامعی که سطح به نسبت بالایی از فعالیت‌های اقتصادی‌شان را دولت در انحصار

1 - Barro, 1990.

2 - karras, 1993-1996-1997.

داشته است، توانسته‌اند به علت به وجود آمدن رانت‌جویی، فساد، عدم کارآیی به رشد اقتصادی چشمگیر برسند. می‌توان گفت دخالت صفر یا صد درصد دولت در اقتصاد، هر کدام به‌علی رشد اقتصادی را محدود می‌کند. امروزه برخلاف سالهای قبل از دهه ۱۹۸۰ که جدال بین اقتصاددانان بر سر این بود که آیا مخارج دولت بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت دارد یا منفی؟، بر موضوعاتی همچون اندازه بهینه دولت و کوچک‌سازی اندازه دولت است. نقطه عطف مطالعات جدید در این زمینه منحنی ارائه شده آرمی^۱ است.

آرمی نوعی منحنی را با استفاده از ایده «لفر^۲» ، با عنوان منحنی آرمی به ثبت رساند (پوسین^۳، ۲۰۰۲، ص ۳). البته همان‌طور که اشاره شد بارو (۱۹۹۰ و ۱۹۹۷) در قالب مدل رشد درون‌زا، شرایطی را برای اندازه بهینه دولت استخراج نمود. در این مطالعه تأکید شده که افزایش هزینه‌های دولت موجب افزایش تولید نهایی سرمایه می‌شود ولی روند مربوطه پس از آن تغییر می‌یابد. این نظریه در قالب مدل «کوهان شتر^۴» قابل تبیین است که براساس آن هزینه‌های دولت تا نقطه خاصی به تقویت رشد می‌انجامد و بعد از آن نقطه کاهش رشد را به دنبال دارد (بارو، ۱۹۹۷).

آرمی معتقد بود که هم در شرایط بی‌دولتی کامل و همچنین در شرایطی که تمام تصمیم‌گیری‌های مربوط به عوامل تولید و محصول توسط دولت انجام می‌شود، تولید سرانه پایین است؛ اما زمانی که در مورد تخصیص منابع، ترکیبی از تصمیمات خصوصی و دولتی وجود دارد، اغلب تولید سرانه بالاتر است. بنابراین می‌توان انتظار داشت وقتی دولت، درصد بیشتری از تولید ملی را به خود اختصاص می‌دهد، در میان‌مدت افزایش مخارج دولتی، آثار معکوسی بر تولید خواهد داشت. پس اندازه بهینه فعالیت‌های اقتصادی دولت، بسیار قابل توجه است. منحنی آرمی قادر است حد مطلوب فعالیت‌های اقتصادی دولت را اندازه‌گیری نماید (و در و گالووی^۵، ۱۹۹۸).

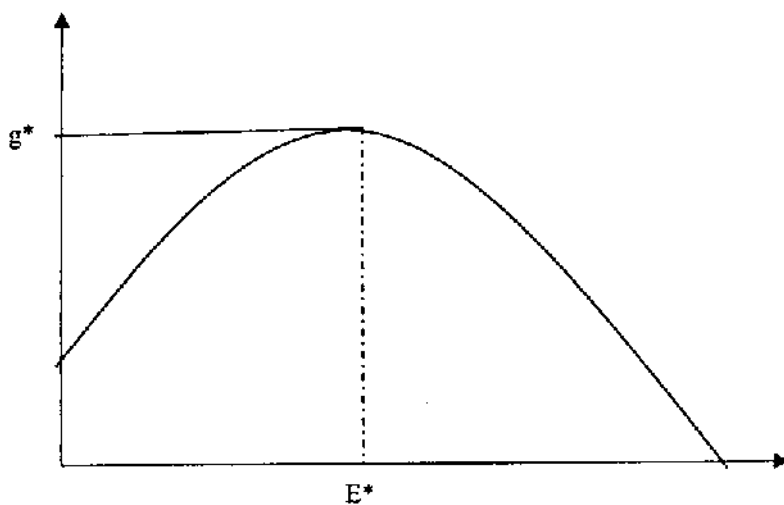
- 1 - Richard Armeý
- 2 - Arthur Lafer
- 3 - Pevcin, 2004.
- 4 - Hump- Shapped.
- 5 - Vedder and Gallaway, 1998.

نمودار ۲ نشانگر ارتباط بین اندازه دولت و رشد اقتصادی است که به صورت غیرخطی قابل ملاحظه است. منحنی مورد نظر، نمادی از منحنی آرمی است. نقطه E^* نشان‌دهنده این است که در مقطع خاصی منافع نهایی ناشی از افزایش مخارج دولت صفر است. منحنی آرمی را می‌توان به صورت معادله زیر بیان نمود:

$$GDP_t = \beta_1 + \beta_2 EXP - \beta_3 EXP^2$$

که در آن GDP تولید ناخالص داخلی حقیقی، EXP مخارج دولت، EXP^2 مجذور مخارج دولت است. مثبت بودن علامت β_2 نشان از اثر مطلوب مخارج دولت بر سطح محصول است.

نمودار ۲: منحنی آرمی (رابطه غیرخطی)



علامت منفی جمله درجه دوم، اثر معکوس و افزایش اندازه دولت را بر رشد اقتصادی اندازه‌گیری می‌کند. اگر جمله درجه دوم بیشتر از جمله درجه اول رشد کند، بیانگر این واقعیت است که مخارج دولت آرام آرام بر رشد تولید اثر منفی می‌گذارد (پوسین، ۲۰۰۴، ص ۴-۶). نمونه‌ای از تخمین منحنی آرمی در جدول ۱ نشان داده شده است. به هر حال اثرگذاری دولت و سیاستهای اقتصادی بر رشد به مراتب

بیشتر از نیروهای بازار است. همان‌طور که اشاره شد اثر مثبت هزینه‌های دولت بر رشد اقتصادی تا سطح خاصی ادامه می‌یابد و پس از آن کاهش می‌یابد.

جدول ۱: آزمون اندازه بهینه دولت بر اساس منحنی آرمی برای کشورهای OECD

کشور	بهینه آرمی درصدی از GDP	اندازه دولت درصدی از GDP
ایتالیا	۳۷/۰۹	۴۴/۹
فرانسه	۴۲/۹۰	۵۴/۷۳
فنلاند	۳۸/۹۸	۵۸/۷۴
سوئد	۴۵/۹۶	۶۵/۰۲
آلمان	۳۸/۴۵	۴۸/۷۲
ایرلند	۴۲/۲۸	۳۹/۶۰
هلند	۴۴/۸۶	۵۱/۹۷
بلژیک	۴۱/۹۱	۵۲/۹۷

Source: Pevcin, 2004, P1

سه دلیل عمده برای این پدیده قابل ذکر است. نخست آنکه برای تأمین هزینه‌های دولت افزایش درآمد مالیاتی اجتناب‌ناپذیر است؛ اما این، خود عامل کاهش رشد است.

وقتي دولت سهم بالاتري از درآمد عوامل توليد را به عنوان ماليات مي گيرد، انگيزه صاحبان عوامل توليد را براي افزايش فعاليت و بهره وري کاهش مي دهد.^۱ گزينه ديگر تأمين هزينه دولت، افزايش استقراض است که آن هم موجب کاهش سرمايه گذاري بخش خصوصي مي شود؛ زيرا سبب افزايش نرخ ماليات در آينده خواهد شد. از اين رو، حتي اگر بازدهي مخارج دولت کاهش نيابد، تأثير منفي افزايش ماليات و استقراض دولت بر انگيزه فعاليتهاي توليدي و سرمايه گذاري بخش خصوصي و رشد اقتصادي اجتناب ناپذير خواهد بود. زيرا منابع اقتصادي از بخش خصوصي به بخش دولتي انتقال مي يابد و چون به طور معمول بخش دولتي کارآيي کم تري دارد، تخصيص منابع ناکارآمدتر خواهد شد.

دليل دوم اين است که، با افزايش سهم بخش دولت از کل اقتصاد نسبت به بخش خصوصي^۲، روند بازدهي نزولي عملکرد هزينه هاي دولت پديدار مي شود. اصولاً مخارج اوليه و اساسي دولت در موارد شکست بازار، توليد کالاهای ارجحيت دار و امور زیربنایی دارای بازدهی بالایی است؛ از این رو توسعه آن به تقویت رشد کمک می کند. اما با افزایش مخارج دولت، منابع به اموری اختصاص می یابد که به بازدهی نزولی هزينه های دولت و در نهايت کاهش رشد منجر خواهد شد. سوم، سازوکار سياسي انجام امور از پويایی کم تري (در مقايسه با فرآيند بازار) برخوردار است. اگرچه در شرايط جديد جهاني دسترسي بخش دولتي به اطلاعات لازم جهت تصميم گيري و اجرائی فعاليتهاي مربوطه امکان پذير است؛ اما هنوز بخش خصوصي به دليل جاينگاه رقابتي و استفاده از ابتکارات و ابداعات موفقتر عمل مي کند (قلي زاده، ۱۳۸۳).

۱ - در نظامهای اقتصادی استاندارد، هزينه های دولت از طريق ماليات تأمين مي شود و لذا افزايش هزينه، مستلزم افزايش ماليات خواهد بود. البته در اقتصادهای آسیب پذیری چون اقتصادهای نفتی (مانند ایران)، عامل عمده تأمين هزينه دولت نفت است.

۲ - در صورت کسر مخارج دولت و در مخرج کسر مخارج بخش خصوصي + مخارج دولت نگاه مي شود. از اين رو اندازه مطلق مهم نيست و همچنين فعاليتهاي بازاری که توسط دولت انجام مي شود، دخالت داده نمی شود.

۴- مروری بر مطالعات تجربی

مطالعات در رابطه با اندازه و نقش دولت در اقتصاد نتایج متفاوتی را به دست آورده‌اند. این تحقیقات به‌خصوص با توجه به مقوله خصوصی‌سازی در سالهای دهه ۸۰ در مرکز توجهات قرار گرفته است. با توجه به اختلاف‌نظرهای زیادی که در رابطه با محدوده دخالت دولت وجود دارد، مطالعات گسترده‌ای در خصوص اندازه دولت و رشد اقتصادی صورت گرفته است که برخی بر حضور بیشتر دولت تأکید می‌کنند و برخی دیگر حضور دولت را مانعی برای رشد اقتصاد می‌دانند و برخی نیز حضور مثبت یا منفی دولت را منوط به نوع حضور آن در اقتصاد می‌دانند. برخی از این مطالعات عبارتند از:

۴-۱. مطالعات تجربی در سطح بین‌المللی

الف. مطالعاتی که افزایش اندازه دولت را باعث کاهش رشد اقتصادی دانسته‌اند: «لاندائو» (۱۹۸۳) با استفاده از داده‌های کشورهای کشورهای در حال توسعه به این نتیجه رسید که اندازه دولت ارتباط منفی با رشد تولید ناخالص سرانه دارد (لاندائو، ۱۹۸۳، ص ۷۸۶-۷۹۲) و هزینه‌های مصرفی دولت (بدون مخارج مربوط به دفاع و آموزش) بر رشد اقتصادی اثر منفی دارد؛ درحالی‌که هزینه‌های سرمایه‌ای و توسعه‌ای دولت دارای اثر مثبت بر رشد اقتصادی است (لاندائو، ۱۹۸۶، ص ۳۲-۷۵).

بارو (۱۹۹۰) نیز داده‌های لاندائو را با کنار گذاشتن مخارج دفاعی و آموزشی دولت، برای به دست آوردن هزینه دولت تعدیل کرد. بارو نیز در بررسی‌های خود به این نتیجه رسید که گسترش دولت، باعث کاهش رشد ستانده سرانه می‌شود (بارو، ۱۹۹۱، ص ۱۰۳-۱۲۵). بارو (۱۹۹۱) بانک اطلاعاتی سامرز - هستون را برای آزمون اثر مخارج دولت بر رشد به کار برد. وی دریافت که سطح مصرف دولت، بجز مخارج آموزش و دفاعی به‌عنوان سهمی از محصول ناخالص داخلی، بر رشد تولید سرانه اثر منفی دارد. بسیاری از نویسندگان اثر اندازه دولت را بر رشد اقتصادی توضیح

داده‌اند، ولی این مطالعات تمایزی بین اثر سیستم اقتصادی با سیستم سیاسی قائل نشده‌اند. از این‌رو «گوسه»^۱ (۱۹۹۷) آثار سیاسی و اقتصادی دولت بر رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه را بررسی می‌کند. وی مدل خود را با استفاده از داده‌های سری زمانی ۵۹ کشور در حال توسعه با درآمد متوسط آزمون می‌کند و نتیجه می‌گیرد که رشد اندازه دولت در کشورهای در حال توسعه اثر معکوس بر رشد اقتصادی داشته است. البته این اثر در کشورهایی که دارای سیستم سوسیالیستی غیردموکراتیک هستند سه برابر کشورهای دیگر (دارنده سیستم بازار و نظام دموکراتیک) بوده است (گوسه، ۱۹۹۷).

«هولکمب و همکاران»^۲ (۱۹۹۸) رابطه بین مخارج دولتی و رشد اقتصادی برای دوره (۹۶-۱۹۶۰) در آمریکا و کشورهای OECD و کشورهایی که بیشترین رشد اقتصادی را در این دوره داشته‌اند بررسی نموده‌اند. آنها نتیجه می‌گیرند که بزرگی بیش از حد دولت باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شود و وقتی دولت کوچک می‌شود، نرخ رشد اقتصادی افزایش می‌یابد (هولکمب و...، ۱۹۹۸).^۳ یاک (۲۰۰۵) در مطالعه‌ای برای اقتصاد انگلستان به این نتیجه رسید که مخارج دولت اثری منفی بر رشد اقتصادی دارد (یاک،^۴ ۲۰۰۵). «فولستر و هندرسون» (۲۰۰۵) به این نتیجه رسیدند که تأثیر مخارج دولت بر رشد اقتصادی منفی است (فولستر و هندرسون، ۲۰۰۵).

ب. مطالعاتی که افزایش اندازه دولت را باعث تسریع رشد اقتصادی دانسته‌اند: «رام»^۵ (۱۹۸۶) با ارائه یک چارچوب تئوریک قوی به بررسی رابطه اندازه دولت و رشد اقتصادی پرداخته است. داده‌های استفاده شده توسط وی از ۱۱۵ کشور (از جمله ایران) بوده است. وی نتیجه می‌گیرد که: - اثر کلی مخارج دولت بر رشد

1 - Guseh, J.S, 1997

2 - Holcombe R., et al, 1998

۳. تجربه ایرلند در طی ۱۰ سال گذشته نشانگر این مطلب بوده است. مخارج دولتی در ایرلند از ۵۲ درصد GDP

در سال ۱۹۸۷ به حدود ۳۲ درصد در سال ۱۹۹۷ کاهش یافته؛ در حالی که در این مدت رشد سریع اقتصادی

را تجربه کرده است.

4 - Yak, 2005.

5 - Ram, 1986.

اقتصادی (به جز چند کشور) تقریباً مثبت بوده است؛ - اثر خارجی اندازه دولت عموماً مثبت بوده است؛ - بهره‌وری عوامل در بخش دولتی (حداقل در دهه ۱۹۶۰) از بخش غیردولتی بیشتر بوده است (رام، ۱۹۸۶، ص ۱۹۳-۲۰۳). رام (۱۹۸۹) در بررسی دیگری حضور دولت را در اقتصاد مثبت ارزیابی می‌کند (رام، ۱۹۸۹، ص ۲۸۱-۲۸۴). «نورزاد» (۲۰۰۰) نشان داد که اثر اندازه دولت بر رشد اقتصادی مثبت است (نورزاد، ۲۰۰۰، ص ۱۱۸۱-۱۱۸۷). «یاسین» (۲۰۰۱) در بررسی ارتباط بین مخارج دولت و رشد اقتصادی برای کشورهای آفریقایی در دوره‌ی زمانی ۱۹۸۷-۱۹۹۷ به این نتیجه رسید که مخارج دولت اثر مثبتی بر رشد اقتصادی دارد (یاسین، ۲۰۰۱).

ج. مطالعاتی که حضور مثبت یا منفی دولت را منوط به درجه توسعه‌یافتگی اقتصاد می‌دانند: «دیاموند» (۱۹۹۰، ۱۹۸۹) با استفاده از داده‌های مربوط به ۴۲ کشور در حال توسعه (شامل ایران) برای متوسط دوره (۸۵-۱۹۸۰) به این نتیجه رسید که مخارج کل دولت بر رشد اقتصادی مؤثر نیست؛ اما در مورد مخارج سرمایه‌ای مصداق ندارد. همچنین نتیجه می‌گیرد که در کشورهای توسعه‌یافته رابطه مخارج دولتی با رشد اقتصادی اغلب منفی بوده است. این در حالی است که در کشورهای در حال توسعه نتایج متفاوت است (دیاموند، ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰، ص ۳۴-۶۰).

«بایرام» (۱۹۹۰) با ارائه یک چارچوب تئوریک متفاوت و با استفاده از داده‌های سری زمانی ۱۹۶۰-۱۹۸۵ برای ۲۰ کشور آفریقایی، تأثیر اندازه دولت بر رشد اقتصادی را آزمون کرد. در ۱۱ کشور آفریقایی، افزایش مخارج دولت اثر معکوسی بر رشد اقتصادی داشته، اما در ۹ کشور دیگر حتی رشد اقتصادی را شتاب می‌بخشد. از این‌رو اثر مخارج دولت بر رشد اقتصادی از کشوری به کشور دیگر متفاوت است و نمی‌توان آن را تعمیم داد (بایرام، ۱۹۹۰، ص ۱۲۲۲-۱۲۳۵).

- 1 - Nourzad, 2000.
- 2 - Yasin, 2001.
- 3 - Diamond, 1989
- 4 - Bairam, 1990

«یاواس»^۱ (۱۹۹۸) معتقد است که در کشور توسعه نیافته چون مخارج دولتی روی زیرساختهای اقتصادی انجام می‌گیرد و این نوع مخارج باعث تحریک تولید بخش خصوصی می‌شود؛ لذا اثر مثبت دارد. اما در کشور توسعه یافته چون این فرایند طی شده (اغلب زیرساخت‌ها آماده‌اند)، این مخارج برای خدمات هزینه شده لذا باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شوند (یاواس، ۱۹۹۸، ص ۲۹۶-۳۰۸). اما «هایتگر»^۲ (۲۰۰۱) نشان داد که افزایش اندازه دولت باعث افزایش مصرف و در نهایت رشد اقتصادی خواهد شد. وی معتقد بود در مراحل اولیه افزایش مخارج دولت (به دلیل اینکه این مخارج به کالاهای عمومی مانند حاکمیت قانون، امنیت داخلی و خارجی و... و زیرساختهای اقتصادی اختصاص می‌یابند)، باعث افزایش رشد اقتصادی می‌شود. اما در مراحل بعدی، در صورتی که مخارج خود را افزایش دهد باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شود (هایتگر، ۲۰۰۱).

د. مطالعاتی که اندازه بهینه دولت را بررسی نموده‌اند: «کاراس»^۳ (۱۹۹۳) با استفاده از یافته بارو برای ۳۷ کشور به بررسی دو موضوع می‌پردازد: نخست آزمون اثر تغییرات موقتی و دائمی در مخارج عمومی و دوم ارتباط بین مخارج بخش عمومی، رشد اقتصادی و اندازه دولت است. یافته‌های تجربی وی حکایت دارد که عموماً تغییرات دائمی در مخارج دولت اثر بزرگتری نسبت به تغییرات موقتی به همان اندازه، روی تولید و اشتغال دارد. همچنین یک ارتباط منفی بین آثار تولیدی مخارج دولت و اندازه دولت را نشان داد (کاراس، ۱۹۹۳).

او همچنین در مقاله‌ای (۱۹۹۶) با استفاده از قانون بارو (۱۹۹۰) به بررسی اندازه بهینه مخارج دولت و بهره‌وری در ۱۱۸ کشور جهان برای دوره ۱۹۸۵-۱۹۶۰ می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد که: - اندازه دولت در قاره آسیا کمتر از حد مطلوب، در قاره آفریقا بیش از حد مطلوب و در اروپا به‌طور مطلوب وجود دارد؛ - اندازه بهینه دولت به‌طور متوسط ۲۳ درصد است. ولی دامنه آن از ۱۴ درصد در کشورهای سازمان

۱ - Yavas, 1998.
 2 - heitger, 2001.
 3 - karras, 1993.

همکاری‌های اقتصادی و توسعه تا ۳۳ درصد در آمریکای شمالی تغییر می‌کند (کاراس، ۱۹۹۶). وی در سال ۱۹۹۷ نیز به بررسی نقش مخارج دولت در فرآیند تولید و اندازه بهینه مخارج دولت در ۲۰ کشور اروپایی در دوره ۱۹۹۰-۱۹۵۰ پرداخت. او به این نتیجه رسید که بین بهره‌وری مخارج دولت و اندازه آن رابطه منفی وجود دارد. همچنین اندازه دولت در کشورهای مورد مطالعه بهینه نیست.

«چاو و گرابیل»^۱ (۱۹۹۸) منحنی U معکوس آرمی را مورد تأیید قرار دادند. آنها بازدهی نزولی را در حالتی می‌دانند که مخارج دولتی افزایش یافته و همراه با آن ابزارهای سیاسی باعث کنار رفتن بیشتر بخش خصوصی می‌شوند. آنها برای دوره ۱۹۲۹-۹۶ اندازه بهینه مخارج دولت را در کانادا ۲۷ درصد به دست آوردند که ۲۰ درصد کمتر از میزان بهینه آن در سال ۱۹۹۶ است. «ویدر و گالوی»^۲ (۱۹۹۸) اندازه بهینه مخارج دولت مرکزی را با استفاده از منحنی آرمی برای اقتصاد آمریکا در طی دوره ۱۹۴۷-۹۷ را به دست آوردند. همچنین آنها نشان می‌دهند که بین نوع حضور دولت و تأثیر آن بر اقتصاد تمایز وجود دارد و دولت در اقتصاد، بسته به نوع حضور آن، در بعضی موارد مثبت و در بعضی موارد منفی است. همچنین «پیدین»^۳ (۱۹۹۱) اندازه بهینه دولت برای آمریکا را ۲۰ درصد GDP برآورد کرده بود. «آلی و استرازیچ»^۴ (۲۰۰۰) در بررسی برای ۵ کشور حوزه خلیج فارس (بحرین، کویت، عمان، عربستان سعودی و امارات متحده عربی) و برای دوره ۱۹۷۰-۹۲ به این نتیجه رسیدند که اندازه متوسط دولت در این کشورها حدود دو برابر اندازه بهینه آن است.

۲-۴. مطالعات تجربی در سطح داخل کشور

در زمینه بررسی نقش دولت و اثرگذاری حجم فعالیت‌های آن بر رشد اقتصاد ایران مطالعات زیر انجام شده است. میرزا محمدی (۱۳۷۰) در ارزیابی تأثیر هزینه‌های دولت بر رشد اقتصادی ایران طی دوره (۱۳۶۷-۱۳۳۸) به این نتیجه رسید که هزینه‌های

1 - chao & grubel, 1998.

2 - Vedder & Gallaway, 1998.

3 - Peden, 1991.

4 - Aly & strazicich, 2000

مصرفی و سرمایه‌ای دولت کاملاً متأثر از نوسانات نفتی بوده است. سامتی (۱۳۷۲) در رساله دکتری برای دوره (۱۳۲۸-۱۳۷۰)، خداحمی (۱۳۷۲) برای دوره (۱۳۲۸-۱۳۶۹)، هاشمی (۱۳۷۴) برای دوره (۱۳۲۹-۱۳۷۱)، انصاری (۱۳۸۱) برای دوره (۱۳۲۸-۱۳۷۸) با استفاده از مدل رام (۱۹۸۶) به نتایج مشابه زیر دست یافتند: - اندازه دولت و رشد اقتصادی رابطه‌ای مثبت با هم دارند؛ - آثار خارجی اندازه فعالیت‌های دولت به فعالیت‌های بخش خصوصی نیز مثبت ارزیابی شده است؛ - اختلاف بهره‌وری عوامل تولید در بخش دولتی و بخش خصوصی مثبت است که نشان‌دهنده بهره‌وری بالاتر عوامل تولید در بخش دولتی نسبت به بخش خصوصی است.

«عیسی‌زاده» (۱۳۷۲) در بررسی تجربی ارتباط بین رشد اقتصادی و سیاست‌های اقتصاد کلان در ایران به این نتیجه رسید که مخارج دولت تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی کشور دارد.

«صنیع‌دانش» (۱۳۷۴) در بررسی علل بزرگ شدن دولت در ایران برای دوره (۱۳۷۰-۱۳۵۰) به این نتیجه رسید که دولت در حال بزرگ شدن است و عامل تعیین‌کننده روند افزایش فعالیت دولت را درآمد نفت و جمعیت شناسایی می‌کند. «سامتی» (۱۳۸۲) در بررسی اندازه بهینه فعالیت‌های اقتصادی دولت برای دوره ۱۳۷۷-۱۳۵۷ با استفاده از مدل آرمی به این نتیجه رسید که حجم فعالیت‌های دولت بیش از حد مطلوب آن است، از این رو باید دولت هزینه‌های جاری خود را محدود کند. «قلی‌زاده» (۱۳۸۳) به کمک الگوی بارو برای اقتصاد ایران به این نتیجه رسید که اندازه بهینه دولت در حدود ۲۳ درصد است. «عسلی» (۱۳۸۲) معتقد است رابطه رشد درآمد ملی با مخارج جاری در بودجه دولت در شرایط مفروض موجب کاهش سرمایه‌گذاری، تولید و کاهش تقاضا برای نیروی کار می‌شود.

«نیلی و مصلحی» (۱۳۸۵) نشان دادند که اندازه دولت در حوزه بودجه عمومی (وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی) و نیز اندازه دولت در حوزه تصدی‌ها (شرکتها، بانکها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت) به‌طور جداگانه در قالب دو منحنی U معکوس با رشد اقتصادی مرتبط است. دخالت‌های غیربودجه‌ای دارای اثر کاهنده بر

رشد است. این مطالعه به‌طور کلی نشان‌دهنده بهینه نبودن فعالیتهای بودجه‌ای و غیربودجه‌ای در اقتصاد ایران می‌باشد.

در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که اختلاف‌نظر بسیاری در بررسی نتایج اندازه دولت بر رشد اقتصادی وجود دارد. و می‌توان گفت که این به‌نوع کشور، موقعیت و حتی نوع حضور دولت در اقتصاد بستگی دارد. به‌عبارتی تأثیر اندازه دولت بر رشد اقتصادی از کشوری به کشور دیگر متفاوت است.

۵- اندازه دولت در اقتصاد ایران: تحلیلی آماری

با توجه به مباحث قبلی، در ادامه به تحلیل اندازه دولت و برخی شاخصهای دیگر فعالیت دولت در اقتصاد ایران طی سالهای ۱۳۵۲ تا ۱۳۸۵ پرداخته می‌شود. جدول ۲ اندازه دولت را براساس شاخصهای مختلف در ایران نشان می‌دهد. علت انتخاب ابتدای دوره ۱۳۵۲ تغییر در درآمدهای نفتی بوده که می‌توان نتیجه‌گیری بهتری را در مورد اندازه دولت داشت. در دوره ۱۳۵۳-۱۳۵۷ همراه با افزایش درآمدهای نفتی اندازه دولت افزایش یافته، اما بعد از انقلاب اندازه دولت کاهش یافته است. از این جدول می‌توان به چند نکته پی برد:

۱. شاخص نسبت درآمدهای نفتی به کل درآمدهای دولت طی سه دهه اخیر حاکی از کاهش قابل ملاحظه آن در سالهای پس از انقلاب است. این نسبت که در سالهای رونق درآمدهای نفتی (۱۳۵۳-۱۳۵۷) در حدود ۷۵/۹۳ درصد بود، در سالهای انقلاب و جنگ (۱۳۵۸-۱۳۶۷) به ۵۳/۰۹ درصد کاهش یافت. در طول برنامه اول افزایش و در برنامه دوم کاهش یافته و در برنامه سوم همراه با افزایش و دو سال اول برنامه چهارم با کاهش مواجه شده به‌طوری‌که این نسبت در دو سال اول برنامه چهارم به ۴۶ درصد رسیده است.

۲. از دو شاخص نسبت مخارج جاری به GDP و نسبت مخارج عمرانی به GDP در ایران می‌توان گفت که همواره نسبت مخارج جاری به GDP بیشتر از نسبت مخارج عمرانی به GDP است. شاخص نسبت مخارج جاری به GDP و نسبت مخارج عمرانی به GDP در سالهای رونق درآمدهای نفتی (۱۳۵۳-۱۳۵۷) همراه

با افزایش بوده، اما هر دو شاخص در طول دوره انقلاب و جنگ و برنامه اول با کاهش مواجه شده است. اما شاخص نسبت مخارج جاری به GDP در طول برنامه دوم، برنامه سوم و دو سال اول برنامه چهارم با افزایش مواجه شده است. این در حالی است که نسبت مخارج عمرانی به GDP در برنامه دوم افزایش، اما در برنامه سوم با کاهش مواجه شده و در نهایت در طول دو سال اول برنامه چهارم افزایش یافته و به ۷/۰۵ درصد رسیده است. با توجه به انبوه طرحهای نیمه تمام عمرانی باقیمانده از سالهای برنامه پنج ساله دوم، می توان انتظار داشت که کاهش نسبت مخارج عمرانی به GDP طی دوره پنج ساله برنامه سوم، ناشی از محدودیت منابع بودجه دولت، پس از تخصیص سهم بالایی از آن به مخارج جاری باشد. با توجه به این نکته، مطابق با انتظار، مخارج عمرانی به GDP در سالهای ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ از رشد بالایی برخوردار شد که باعث افزایش ۲/۰۵ درصدی نسبت به برنامه سوم شد. با این وجود، نسبت مخارج جاری و عمرانی به GDP نمی تواند شاخصهای مطلوب اندازه دولت در ایران باشند.

۳. ملاحظه شاخص نسبت مخارج کل دولت به GDP مؤید این مطلب است که اندازه دولت بعد از انقلاب روند نزولی به خود گرفته است، ولی کاهش این نسبت طی سالهای بعد از انقلاب، نمی تواند به مفهوم کاهش نقش دولت در اقتصاد ایران باشد. چون دولت می تواند با صدور دستورالعملها و مقررات نقش دولت در اقتصاد را افزایش دهد. لذا نتیجه گیری براساس این شاخص گمراه کننده است.

۴. شاخص نسبت مالیات به GDP در ایران به دلیل نقش ناچیز مالیاتها در کل درآمدهای دولت تصویر دقیقی از اندازه دولت را نشان نمی دهد. همان طور که در جدول ۲ مشاهده می شود همواره این نسبت کمتر از ۱۰ درصد بوده است.

۵. ملاحظه شاخص نسبت درآمدهای مالیاتی به کل درآمدهای دولت نیز نشان می دهد که این شاخص طی دوره رونق درآمدهای نفتی ۱۹/۶۱ درصد بوده ولی در طول سالهای انقلاب و جنگ افزایش یافته است. این شاخص در نهایت در طول برنامه سوم و دو سال اول برنامه چهارم نیز افزایش یافته است.

۶. شاخص نسبت کسری بودجه به GDP، معیار خوبی از حجم فعالیتهای دولت در اقتصاد ایران نمی‌باشد. علت آن نوسانات کسری بودجه است که به‌طورمستقیم تحت تأثیر نوسانات درآمدهای دولت به‌ویژه درآمدهای نفتی بوده است. همان‌طور که از جدول ۲ پیداست همواره این نسبت کمتر از ۱۰ درصد بوده است.
۷. می‌توان نتیجه گرفت براساس تمام شاخصها، روند پایدار [کاهشی یا افزایشی] اندازه دولت در ایران قابل مشاهده نیست.
۸. نکات دیگری که در بررسی آمار مشاهده می‌شود این است که نخست تغییرات شاخصهای اندازه دولت با یک وقفه زمانی از تغییرات درآمدهای نفتی و به‌تبع آن رشد اقتصادی پیروی می‌کند. دوم، هزینه‌های جاری دولت چسبندگی بالایی نسبت به کاهش دارد؛ به‌طوری‌که حتی در سالهای کاهش درآمدهای نفتی از نرخ رشد مثبتی برخوردار می‌باشد. بنابراین کاهش منابع درآمدی دولت بیشتر در کاهش هزینه‌های عمرانی آن نمایان می‌شود.
۹. یکی از مهم‌ترین مسائلی که نظام مالی کشور با آن روبه‌رو است، وابسته بودن درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدهای دولت به درآمدهای حاصل از صادرات نفت است؛ یعنی اینکه افزایش درآمدهای نفتی باعث افزایش درآمدهای مستقیم و غیرمستقیم و به‌تبع آن بزرگ شدن حجم دولت می‌شود. نسبت درآمدهای نفتی به کل درآمدهای دولت این نکته را به‌خوبی تأیید می‌کند. تمام شاخصهای جدول ۲ در دوره ۱۳۵۷-۱۳۵۳ این نکته را به‌خوبی نشان می‌دهد.
۱۰. یارانه‌های آشکار و پنهان مانند یارانه حاملهای انرژی، یارانه سود بانکی، یارانه نهاده‌های تولیدی باعث می‌شود که لزوماً، نسبت مخارج دولت به GDP شاخص کاملی نباشد. اگر ارقام برآوردی یارانه انرژی و مابه‌التفاوت نرخ ارز را در نظر بگیریم، اندازه دولت بسیار بزرگ‌تر خواهد بود. ارائه ارقام مابه‌التفاوت نرخ ارز کالاهای یارانه‌ای از سال ۱۳۸۱ به بعد (پس از یکسان‌سازی نرخ ارز) و همچنین ارقام شفاف‌سازی قیمت (یارانه) حاملهای انرژی از سال ۱۳۸۲ به بعد در گزارش اقتصادی، سبب می‌شود که اندازه دولت در این سالها دقیق‌تر برآورد شود.

جدول ۲: اندازه دولت براساس شاخصهای مختلف برای اقتصاد ایران

دوره	شاخص اندازه دولت	دوره ۱۳۵۳-۱۳۵۷	۱۳۵۸-۱۳۶۷	۱۳۶۸-۱۳۷۲	۱۳۷۳-۱۳۷۸	۱۳۷۹-۱۳۸۳	۱۳۸۴-۱۳۸۵
	دوره رونق درآمدهای نفتی	انقلاب و جنگ	برنامه اول	برنامه دوم	برنامه سوم	چهارم	دو سال اول برنامه
نسبت درآمدهای نفتی به کل درآمدهای دولت	۷۵/۹۲	۵۲/۰۹	۵۹/۴۷	۴۷/۶۵	۵۹/۳۸	۴۶	
مخارج جاری به GDP	۳۱/۳۱	۲۰/۸۲	۱۳/۰۳	۱۵/۴۹	۱۵/۷۲	۱۹/۹۸	
مخارج عمرانی به GDP	۱۷/۵۰	۷/۱۷	۵/۲۵	۶/۵۳	۵/۱۰	۷/۰۵	
مخارج کل دولت به GDP	۴۸/۸۱	۲۷/۹۹	۱۸/۴۸	۲۲/۰۲	۲۰/۸۲	۲۷/۰۳	
مالیات به GDP	۷/۸۹	۶/۲۶	۴/۹۱	۶/۳۴	۶/۰۴	۷/۶۹	
نسبت درآمدهای مالیاتی به کل درآمدهای دولت	۱۹/۶۱	۲۵/۸۵	۳۶/۸۸	۲۱/۴۹	۲۲/۶۸	۲۵/۶۷	
کسری بودجه به GDP	۶/۹۸	۸/۸۰	۱/۷۳	۱/۳۱	۲/۳۵	۵/۴۲	

منبع: گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی در سالهای مختلف

۶- ارائه و برازش مدل

برای سنجش اندازه بهینه دولت در کشورهای منتخب اسلامی از نوعی مدل آرمی استفاده می‌شود که شکل ریاضی آن به صورت زیر است:

$$GDPR_t = \beta_1 + \beta_2 EXPGDP - \beta_3 EXPGDP^2$$

که در آن $GDPR$ رشد سالانه تولید ناخالص داخلی (نماینده رشد اقتصادی)، $EXPGDP$ نسبت مخارج مصرفی دولت مرکزی به تولید ناخالص داخلی (نماینده اندازه دولت)، $EXPGDP^2$ مجذور مخارج مصرفی دولت مرکزی به تولید ناخالص داخلی است. نحوه به دست آوردن اندازه بهینه دولت به این صورت است که پس از تخمین مدل، از رشد اقتصادی نسبت به اندازه دولت مرکزی مشتق گرفته و برابر صفر قرار می‌دهیم. شکل ریاضی به صورت زیر خواهد بود:

$$\frac{\partial GDPR_t}{\partial EXPGDP_t} = 0$$

در برازش مدل به نکات زیر توجه می‌شود: نخست برای برازش مدل، از داده‌های کشورهای اسلامی از منبع بانک جهانی (W.D.I, 2004) استفاده شده است. نکته قابل ذکر اینکه بانک جهانی فقط داده‌های مربوط به مخارج دولت مرکزی را ارائه می‌دهد؛ دوم متغیر نسبت مخارج مصرفی دولت مرکزی به تولید ناخالص داخلی و رشد سالانه تولید ناخالص داخلی برای بسیاری از کشورها در دوره ۱۹۸۰-۲۰۰۲ در برازش مورد استفاده قرار گرفته‌اند؛ سوم مشابه مطالعه آلی و استرازیچ (۲۰۰۰) از دو روش، مدل آرمی برای کشورهای منتخب اسلامی مورد سنجش قرار گرفت. ابتدا از روش پانل دیتا در ۵ حالت استفاده شد^۱. حالت اول برای تمامی کشورهای مورد مطالعه؛ حالت دوم، فقط کشورهای اروپایی (پانل ۲ کشور)؛ حالت سوم، کشورهای نفتی عضو آپک (۵ کشور)؛ حالت چهارم، کشورهای آفریقایی (پانل کشورهای آفریقایی) و حالت پنجم، سایر کشورهای منتخب اسلامی (پانل سایر کشورها) سپس

۱- البته قبل از استفاده از این روش، F محاسباتی را با مقدار بحرانی آن مقایسه نمودیم و به این نتیجه رسیدیم که در مطالعه حاضر می‌توان از روش پانل استفاده کرد.

به منظور تعیین اندازه بهینه دولت مرکزی برای هر کدام از کشورها از روش OLS استفاده شد. چهارم در بررسی روش پانل زمانی که عرض از مبدأ معنی دار نبوده از مدل حذف شد. همچنین در روش رگرسیونهای کشوری، چون آماره دوربین واتسون از مقدار مناسب برخوردار نبود سعی شد به منظور رفع همبستگی جملات اخلاص، رابطه با توجه به متغیرهای AR ، MA و $ARMA$ مناسب رگرس شود.

نتایج تخمین مدل آرمی به روش پانل دیتا در جدول ۳ آمده است. در حالت اول، برای ۴۶ کشور اسلامی، اندازه بهینه دولت مرکزی ۲۱/۵ برآورد شده که به میزان ۱/۸۲ بیشتر از میزان آن برای کشورهای فوق است. از این رو می توان گفت که اندازه دولت مرکزی برای کشورهای منتخب اسلامی (۴۶ کشور) کمتر از میزان بهینه آن است. اندازه بهینه دولت مرکزی برای سه کشور اسلامی (آلبانی، ترکیه و آذربایجان) در قاره اروپا ۱۰/۹۲ درصد برآورد شده که به میزان ۱/۰۳ درصد کمتر از میزان آن در سال ۲۰۰۲ است. به عبارتی برای کشورهای اسلامی اروپایی اندازه دولت مرکزی بیشتر از میزان بهینه آن است. اندازه بهینه دولت مرکزی برای پنج کشور اسلامی عضو اوپک (الجزایر، اندونزی، ایران، نیجریه و عربستان سعودی) ۲۱ درصد برآورد شده که به میزان ۳/۰۸ بیشتر از میزان آن در سال ۲۰۰۲ برای کشورهای فوق است. به عبارتی برای کشورهای نفتی عضو اوپک اندازه دولت مرکزی کمتر از میزان بهینه آن است. اندازه بهینه دولت مرکزی برای ۲۱ کشور اسلامی در قاره آفریقا (بنین، گینه بیسائو، بوركینافاسو، کامرون، ساحل عاج، چاد، کومور، مصر، گامبیا، گینه، مالی، موریتانی، مراکش، موزامبیک، نیجر، سنگال، سیرالئون، سورینام، توگو، تونس، اوگاندا) ۱۵ درصد برآورد شده که ۰/۷۱ درصد بیشتر از میزان آن در سال ۲۰۰۲ برای کشورهای فوق است. به عبارتی برای کشورهای اسلامی در قاره آفریقا اندازه دولت مرکزی کمتر از میزان بهینه آن است.

اندازه بهینه دولت مرکزی برای ۱۶ کشور دیگر اسلامی (بنگلادش، گویان، بحرین، اردن، قرقیزستان، لبنان، مالزی، پاکستان، تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان، قزاقستان، مالدیو، یمن، سوریه، عمان) ۲۲/۵ درصد برآورد شده که ۶/۵ درصد

بیشتر از میزان آن در سال ۲۰۰۲ برای کشورهای فوق است. به عبارتی برای سایر کشورهای اسلامی اندازه دولت مرکزی کمتر از میزان بهینه آن است.

برای سهولت، تعاریف زیر را در نظر می‌گیریم: TCs برای پانل کل کشورها، ECs پانل کشورهای اروپایی، OCs پانل کشورهای نفتی اوپک، ACs پانل کشورهای آفریقایی، OMCs پانل سایر کشورهای اسلامی، OS اندازه بهینه دولت، AS میانگین اندازه دولت و OS-AS برای اختلاف اندازه بهینه و اندازه دولت.

جدول ۳: نتایج تخمین مدل آرمی برای اندازه بهینه در کشورهای منتخب اسلامی (SMC)

OMCs	ACs	OCs	ECs	TCs	
-	-	-	-۱۶/۱۹ (-۱/۵۳)	-	CONST
۰/۴۵ (۳/۸۲)	۰/۱۵ (۲/۰۹)	۰/۴۲ (۴/۲۳)	۲/۱۵ (۲/۵۸)	۰/۴۳ (۷/۹۰)	EXPGDP
-۰/۰۱ (-۲/۵۲)	-۰/۰۱ (-۲/۱۵)	-۰/۰۱ (-۳/۳۳)	-۰/۱۹ (-۳/۴۰)	-۰/۰۱ (-۶/۳۵)	EXPGDP ²
۲۸۵	۲۲۷	۱۱۵	۵۵	۸۴۷	N
۰/۲۱	۰/۰۲	۰/۱۲	۰/۴۸	۰/۰۹	R ²
۱/۵۶	۲/۰۷	۱/۹۲	۲/۰۸	۱/۹۷	D.W
۳۵/۲۸	۱/۷۸	۷/۴۹	۱۵/۰۳	۱۹/۶۷	F
۲۲/۵	۱۵	۲۱	۱۰/۹۲	۲۱/۵	OS
۱۶	۱۲/۲۹	۱۷/۹۲	۱۱/۹۵	۱۹/۶۸	AS
۶/۵	۰/۷۱	۳/۰۸	-۱/۰۳	۱/۸۲	OS-AS

منبع: محاسبات محققان

جدولهای ۴ تا ۱۰ نتایج تخمین مدل آرمی برای تعیین اندازه بهینه در حدود ۴۰ کشور اسلامی را نشان می‌دهد که در دسته‌های پنج‌گانه به‌طور مجزا توصیف شده‌اند. در بررسی نتایج مشخص شد که اندازه دولت مرکزی در کشورهای آلبانی، الجزایر، بحرین، چاد، گامبیا، اندونزی، لبنان، مالی، نیجر، نیجریه، عمان، تاجیکستان، توگو، سوریه، ازبکستان کمتر از میزان بهینه آن در سال ۲۰۰۲ است. اما اندازه دولت مرکزی در کشورهای بنین، بورکینافاسو، کامرون، کومور، ساحل عاج، گینه، گویان، ایران، مالزی، موریتانی، موزامبیک، عربستان، سنگال، سیرالئون، سورینام، تونس، ترکیه و اوگاندا بیشتر از میزان بهینه آن در سال ۲۰۰۲ است. تنها در کشور بنگلادش اندازه دولت مرکزی بهینه است.

جدول ۴: نتایج تخمین مدل اندازه بهینه دولت در کشورهای منتخب اسلامی (SMC)

کشور	آلبانی	الجزایر	بحرین	بنگلادش	بنین
<i>CONST</i>	-۳۶ (-۱/۸۳)	-۹۶/۲۶ (-۱/۸۲)	-۱۳۲/۰۵ (-۲/۶۲)	-۱۴۵/۲۷ (-۲/۸۶)	-۷۵/۵۸ (-۱/۹۳)
<i>EXPGDP</i>	۷/۳۸ (۲/۴۳)	۱۲/۱ (۲/۰۶)	۱۲/۲۱ (۲/۵۷)	۶۵/۴۸ (۳/۰۸)	۱۲/۳۷ (۲/۱۲)
<i>EXPGDP²</i>	-۱/۳۱ (-۲/۹۸)	-۰/۳۷ (-۲/۱۲)	-۰/۲۷ (-۲/۴۴)	-۷/۱۲ (-۳/۰۹)	-۱/۵۵ (-۲/۲۰)
<i>N</i> (تعداد مشاهدات)	۲۲	۲۳	۲۲	۱۲	۲۳
<i>Adj.</i> <i>AR, MA, ARMA</i>	-	<i>AR(1)</i>	<i>AR(1)</i>	<i>AR(1)</i>	<i>AR(3)</i>
<i>R²</i>	۰/۶۲	۰/۳۵	۰/۳۷	۰/۶۷	۰/۳۵
<i>D.W</i>	۱/۸۸	۱/۸۲	۲	۱/۷۷	۲/۰۱
<i>F</i>	۱۵/۵۳	۲/۳۰	۲/۱۳	۵/۴۰	۱/۴۹
اندازه بهینه دولت	۱۱/۹۰	۱۶/۳۵	۲۲/۶۱	۵	۱۲/۱۵
اندازه دولت	۸/۴۳	۱۵/۳۲	۲۰/۱۷	۵	۱۲/۹۷
OS-AS	۲/۴۷	۱/۰۲	۲/۵۲	۰	-۱/۸۲

جدول ۵: نتایج تخمین مدل SMC برای گروه دوم

کشور / فاسو	بورکینا	کامرون	چاد	کومور	ساحل عاج
<i>CONST</i>	-۷/۸۳ (-۰/۱۰۶)	-۸۳/۶۵ (-۱/۳۹)	-۲/۰۵ (-۰/۱۰۹)	-۱۴/۱۱ (-۱/۰۵)	-۲/۹۹ (-۰/۱۲)
<i>EXPGDP</i>	۰/۲۹ (۰/۱۱)	۱۸/۱۰ (۱/۵۲)	۱/۲۱ (۰/۲۸)	۱/۸۷ (۱/۳۲)	۰/۸۷ (۰/۲۸)
<i>EXPGDP²</i>	-۰/۰۲ (-۰/۱۲)	-۰/۰۹۳ (-۱/۷۰)	-۰/۰۶ (-۰/۲۸)	-۰/۰۶ (۱/۸۰)	-۰/۰۴ (-۰/۴۲)
<i>N</i> (تعداد مشاهدات)	۲۳	۲۳	۲۱	۲۳	۲۳
<i>Adj.</i> <i>ARMA</i> <i>AR, MA,</i>	<i>MA(3,1)</i>	<i>MA(4)</i>	<i>AR(3)</i>	<i>AR(3)</i>	<i>MA(2,2)</i>
<i>R²</i>	۰/۴۰	۰/۷۹	۰/۲۵	۰/۴۹	۰/۶۷
<i>D.W</i>	۲	۱/۸۹	۱/۸۰	۲/۲۲	۲/۰۸
<i>F</i>	۱/۴۶	۷/۵۳	۰/۸۲	۲/۵۵	۲/۴۸
اندازه بینه دولت	۱۲/۴۳	۹/۷۳	۱۰/۰۸	۱۵/۵۸	۱۰/۸۷
اندازه دولت	۱۳/۴۶	۱۱/۶۵	۷/۶۸	۱۶/۰۴	۱۱/۳۷
OS-AS	-۱/۰۳	-۱/۹۲	۲/۴	-۰/۴۶	-۰/۵۰

جدول ۶: نتایج تخمین مدل SMC برای گروه سوم

کشور	گامبیا	گینه	گویان	اندونزی	ایران
<i>CONST</i>	-۱۲/۴۴ (-۳/۹۲)	-۹/۱۶ (-۱/۴۸)	-۱۸/۶۳ (-۱/۲۶)	-۱۰۵/۵۲ (-۷/۳۵)	۲/۳۷ (۰/۰۹)
<i>EXPGDP</i>	۱/۴۱ (۵/۴۷)	۴/۰۴ (۲/۲۲)	۲/۰۶ (۱/۴۸)	۲۴/۴۵ (۷/۴۷)	۰/۸۶ (۰/۱۸)
<i>EXPGDP</i> ²	-۰/۰۲ (-۵/۵۲)	-۰/۳۰ (-۲/۲۴)	-۰/۰۵ (-۱/۵۲)	-۱/۳۰ (-۷/۱۵)	-۰/۰۶ (-۰/۳۹)
<i>N</i> (تعداد مشاهدات)	۲۳	۱۷	۲۳	۲۳	۲۳
<i>Adj.</i> <i>ARMA</i> <i>AR, MA,</i>	<i>AR</i> (۲)	-	<i>AR</i> (۳)	-	<i>MA</i> (۱)
<i>R</i> ²	۰/۴۱	۰/۲۷	۰/۵۹	۰/۷۶	۰/۳۲
<i>D.W</i>	۲/۲۳	۱/۶۳	۱/۸۸	۱/۸۱	۱/۸۹
<i>F</i>	۲/۷۶	۲/۵۱	۴/۱۱	۲۲/۳۵	۲/۰۱
اندازه بینه دولت	۳۵/۲۵	۶/۷۳	۲۰/۶	۹/۴۰	۷/۲۵
اندازه دولت	۱۳/۳۴	۷/۰۴	۲۵/۸۶	۸/۲۱	۱۳/۱۸
OS-AS	۲۱/۹۱	-۰/۳۱	-۵/۲۶	۱/۱۹	-۵/۹۳

جدول ۷: نتایج تخمین مدل SMC برای گروه چهارم

کشور	لبنان	مالتی	مالی	موریتانی	موزامبیک
<i>CONST</i>	-۴۸/۳۰ (-۱/۰۸)	-۲۷/۶۶ (-۱/۵۰)	-۱۵/۸۶ (-۰/۳۳)	-۰/۴۷ (-۰/۰۶)	-۲۴/۲۳ (-۱/۰۳)
<i>EXP GDP</i>	۷/۸۶ (۱/۲۳)	۷/۹۵ (۱/۷۰)	۳/۲۸ (۰/۴۲)	۰/۵۶ (۰/۷۱)	۷/۴۵ (۱/۸۷)
<i>EXP GDP²</i>	-۰/۲۸ (-۱/۲۶)	-۰/۲۹ (-۱/۶۹)	-۰/۱۳ (-۰/۴۴)	-۰/۰۲ (-۰/۹۵)	-۰/۴۲ (-۲/۵۶)
<i>N</i> (تعداد مشاهدات)	۱۴	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳
<i>Adj.</i> <i>ARMA</i> <i>AR, MA,</i>	<i>AR(2)</i>	-	<i>AR(3)</i>	<i>AR(2)</i>	-
<i>R²</i>	۰/۷۶	۰/۱۳	۰/۴۲	۰/۳۷	۰/۶۷
<i>D.W</i>	۲/۳۶	۱/۵۹	۲/۱۱	۱/۸۹	۲/۲۲
<i>F</i>	۵/۶۴	۱/۴۵	۲/۰۲	۲/۳۳	۱۹/۰۸
اندازه بهینه دولت	۱۴/۰۴	۱۳/۷۱	۱۲/۶۱	۱۴	۸/۸۷
اندازه دولت	۱۳/۶۱	۱۳/۸۷	۱۰/۶۶	۱۸/۸۷	۱۱
OS-AS	۰/۴۳	-۰/۱۶	۱/۹۵	-۴/۸۷	-۲/۱۳

جدول ۸: نتایج تخمین مدل SMC برای گروه پنجم

کشور	نیجر	نیجریه	عمان	عربستان
<i>CONST</i>	-۱۴۵/۶۵ (-۳)	-۰/۹۵ (-۰/۱۶)	-۲۴/۲۲ (-۰/۷۵)	-۷/۰۴ (-۰/۱۳)
<i>EXPGDP</i>	۲۲/۱۲ (۳/۰۱)	۰/۵۵ (۰/۷۷)	۱/۷۱ (۰/۸۲)	۰/۶۴ (۰/۱۹)
<i>EXPGDP²</i>	-۰/۱۸ (-۲/۹۹)	-۰/۰۱ (-۰/۸۲)	-۰/۰۲ (-۰/۶۹)	-۰/۰۶ (-۰/۱۸)
<i>N</i> (تعداد مشاهدات)	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳
<i>Adj. ARMA, AR, MA,</i>	-	<i>AR(4)</i>	<i>RMA(1,1)</i>	<i>ARMA(1,1)</i>
<i>R²</i>	۰/۳۱	۰/۵۴	۰/۵۵	۰/۲۸
<i>D.W</i>	۲/۱۸	۱/۷۶	۱/۸۷	۱/۸۰
<i>F</i>	۴/۵۹	۲/۳۹	۵/۳۰	۱/۷۲
انتشار بینه دولت	۱۳/۸۳	۲۷/۵	۴۲/۷۵	۳۲
انتشار دولت	۱۲/۲	۲۷/۱۸	۲۲/۰۵	۲۵/۷۱
OS-AS	۱/۶۳	۰/۳۲	۱۹/۷	-۶/۲۹

جدول ۹: نتایج تخمین مدل SMC برای گروه ششم

کشور	سنگال	سیرالئون	سورینام	تاجیکستان	توگو
<i>CONST</i>	-۷۴/۹۲ (-۲/۲۰)	-۲۷/۳۳ (-۴/۰۷)	-۲۱۰/۵۷ (-۱/۹۷)	۲۹/۷۹ - ۱/۸۱ (-)	-۴/۲۳ (-۰/۱۰)
<i>EXP GDP</i>	۱۳/۳۰ (۲/۷۲)	۴/۸۲ (۴/۱۲)	۱۴/۰۶ (۲/۰۵)	۴/۶۰ (۲/۲۷)	۱/۶۳ (۰/۲۷)
<i>EXP GDP²</i>	-۰/۵۵ (-۳/۲۰)	-۰/۱۰ (-۳/۶۱)	-۰/۲۳ (-۲/۱۲)	-۰/۱۷ ۳/۰۵ (-)	-۰/۰۸ (-۰/۳۹)
<i>N</i> (تعداد مشاهدات)	۲۳	۲۳	۲۳	۱۵	۲۳
<i>Adj. ARMA, AR, MA,</i>	<i>AR(3)</i>	<i>MA(2)</i>	<i>AR(5)</i>	<i>AR(2,1)</i>	<i>AR(1)</i>
<i>R²</i>	۰/۶۵	۰/۳۷	۰/۴۹	۰/۸۱	۰/۱۲
<i>D.W</i>	۲/۵۲	۱/۷۰	۲/۱۲	۱/۹۲	۱/۹۰
<i>F</i>	۵/۳۲	۲/۶۷	۱/۳۶	۷/۵۸	۰/۸۳
اندازه بینه دولت	۱۲	۱۹/۱۰	۳۰/۵۶	۱۳/۵۲	۱۰/۱۹
اندازه دولت	۱۴/۳	۲۰/۷۹	۳۴/۵۲	۸/۶۷	۹/۷۲
OS-AS	-۲/۳	-۱/۶۹	-۳/۹۸	۴/۸۵	۰/۲۷

اندازه بینه دولت در کشور های.../اندازه نظری / ۱۵۱

جدول ۱۰: نتایج تخمین مدل SMC برای گروه هفتم

کشور	سوریه	تونس	ترکیه	آگاندرا	ازبکستان
<i>CONST</i>	-۱۷/۳۹ (-۱/۱۱)	-۱۱۰/۰۷ (-۰/۵۰)	-۱۹/۸۷ (-۲/۱۷)	-۱۱/۹۳ (-۰/۶۳)	-۵۳۱/۲۹ (-۲/۰۷)
<i>EXPGDP</i>	۲/۹۴ (۱/۵۳)	۱۵/۲۷ (۰/۵۷)	۵/۲۸ (۳/۰۱)	۳/۳۰ (۰/۹۵)	۵۳/۹۱ (۳/۱۸)
<i>EXPGDP</i> ²	-۰/۱۰ (-۱/۷۱)	-۰/۵۰ (-۰/۶۲)	-۰/۲۷ (-۳/۳۶)	-۰/۱۴ (-۰/۹۴)	-۱/۳۵ (-۲/۲۷)
<i>N</i> (تعداد مشاهدات)	۲۳	۲۳	۲۳	۲۰	۱۰
<i>Adj.</i> <i>ARMA</i> <i>AR, MA,</i>	<i>AR</i> (2)	<i>ARMA</i> (1,1)	<i>ARMA</i> (1,1)	<i>AR</i> (4)	<i>AR</i> (1)
<i>R</i> ²	۰/۲۶	۰/۵۷	۰/۶۳	۰/۱۵	۰/۸۱
<i>DW</i>	۲/۱۳	۱/۹۲	۱/۹۸	۲/۲۲	۲/۱۶
<i>F</i>	۱/۴۳	۵/۵۷	۷/۵۱	۰/۳۵	۷/۲۸
تغایر بینه دولت	۱۴/۷	۱۵/۲۷	۹/۷	۱۱/۷۹	۱۹/۹۷
تغایر دولت	۱۰/۷۸	۱۶/۴۸	۱۲/۸۷	۱۵/۶۷	۱۸/۹
OS-AS	۳/۹۲	-۱/۲۱	-۲/۱۷	-۳/۸۸	۱/۰۷

چند نکته قابل تأمل در تفسیر نتایج تخمین

- نکته‌ای بسیار مهم در جدول ۳ و جداول ۴ تا ۱۰ در مورد پایین بودن R^2 یا به عبارتی درصد اندک ضریب توضیح‌دهندگی است. علت پایین بودن R^2 ممکن است به علت داده‌های سری زمانی نسبتاً کوتاه مدت در دسترس برای هر کشور می‌باشد.^۱ همچنین علت پایین بودن آماره دوربین واتسون برای برخی کشورها و گروه‌ها نادیده گرفتن وضعیت خاص اقتصادی و همگنی اقتصاد این کشورها است.

- همچنین ساختارهای مختلف اقتصادی در کشورهای اسلامی قطعاً عامل دیگری است که می‌تواند عامل پایین بودن ضریب توضیح‌دهندگی باشد.

۷. پیشنهادات سیاستی

این مقاله به بررسی اندازه بهینه دولت مرکزی در کشورهای منتخب اسلامی می‌پردازد. براساس مدل آرمی و به دو روش اندازه بهینه دولت برای کشورهای فوق بررسی و براساس روش پانل مشخص شد که اندازه دولت برای تمام کشورهای اسلامی مورد مطالعه (۴۶ کشور) کمتر از میزان بهینه آن است. در ادامه کشورهای اسلامی در طبقه‌بندی‌های مختلف به روش پانل مورد برآزش قرار گرفتند که مشخص شد اندازه دولت برای کشورهای اسلامی اروپایی بیشتر از میزان بهینه آن است. اما برای کشورهای نفتی عضو اوپک و کشورهای قاره آفریقا و سایر کشورهای اسلامی کمتر از میزان بهینه آن است. در تخمین نتایج مدل آرمی به روش حداقل مربعات معمولی مشخص شد که اندازه دولت در کشورهای آلبانی، الجزایر، بحرین، چاد، کامبیا، اندونزی، لبنان، مالی، نیجر، نیجریه، عمان، تاجیکستان، توگو، سوریه، ازبکستان کمتر از میزان بهینه آن در سال ۲۰۰۲ است. اما اندازه دولت در کشورهای بنین، بورکینافاسو، کامرون، کومور، ساحل عاج، گینه، گویان، ایران، مالزی، موریتانی،

۱. این نکته در مطالعه آلی و استرازیچ (۲۰۰۰) نیز مورد تأیید قرار گرفته است. نکته جالب در مطالعه آلی و استرازیچ (۲۰۰۰) این است حتی ضریب R^2 برای برخی کشورها پایین و در یک مورد (کشور کویت) منفی است.

موزامبیک، عربستان، سنگال، سیرالئون، سورینام، تونس، ترکیه و آگاندا بیشتر از میزان بهینه است. تنها در کشور بنگلادش اندازه دولت بهینه است. در نتیجه بین وضع بهینه دولت و اندازه واقعی آن در کشورهای اسلامی شکاف توسعه‌ای قابل توجهی وجود دارد. میزان بهینه اندازه دولت که منجر به رشد اقتصادی می‌شود در میان کشورهای مختلف متفاوت است. از این‌رو اندازه بهینه دولت متغیر نسبی است و بیان اندازه مطلق بهینه برای دولت در تمامی کشورهای اسلامی مورد مطالعه فاقد استدلال نظری و علمی است. همچنین اندازه بهینه دولت، بستگی شدیدی به شرایط هر کشور، کارآیی بخش عمومی کشورها و ترجیحات مردم آنها دارد. با وجود این می‌توان پیشنهادهای سیاستی کلی زیر را برای تمامی کشورهای مورد مطالعه ارائه داد: نخست نیاز به تغییر سیاستهای مالی و بررسی دوباره اندازه دولت، الزام عملی در این کشورها می‌باشد. موج جدید ادبیات اقتصادی که خواهان کاهش نقش عمومی دولت در فرآیند توسعه می‌باشد، این وضعیت را ترغیب و تقویت نموده است. دوم لازمه توسعه‌یافتگی، کوچک‌بودن دولت و کم‌شدن سهم مخارج دولت از تولید ناخالص داخلی نیست، آنچه اهمیت دارد مدیریت مالیه عمومی و کارآمدی دولت است که می‌تواند در رشد و توسعه اقتصادی نقش مهمی ایفا نماید. به‌جای کاستن از حجم مخارج دولت در فرآیند رشد اقتصادی که ضرورت هزینه‌های بیشتر دولت را طلب می‌کند و مسلماً به کاهش کیفیت کالا و خدمات عمومی منجر شده و نارضایتی عمومی را در پی خواهد داشت، به مدیریت مخارج عمومی توجه بیشتری مبذول شود. سوم افزایش بهره‌وری و ثمربخشی هزینه‌های دولت از طریق سیاستهای تمرکززدایی و تفویض مسئولیتها و منابع درآمدی پیشنهاد می‌شود که بخشی از وظایف و مسئولیت‌های دولت مرکزی به همراه پیش‌بینی منابع مالی لازم در سطح مناطق و استانها انتقال یابد. چهارم بایستی نظام پرداختهای انتقالی دولت هدفمند و کارآمد شود. از طرفی این نوع پرداختهای دولت سیر صعودی نگیرد؛ پنجم دولت ایران می‌بایستی با توجه به اثرگذاری هرچه بیشتر بودجه عمرانی نسبت به بودجه جاری، در ترکیب اجزا بودجه به‌نفع بودجه عمرانی تغییر جهت دهد.

منابع و مأخذ

۱. ابن خلدون، عبدالرحمن (بدون تاریخ)، مقدمه، قاهره، مکتبه المدبوی.
۲. ابی‌علی، الفاضی (۱۴۰۶ ق)، احکام السلطانیه، مطبعه الاعلام.
۳. اشپولر، برتولد (۱۳۷۳)، تاریخ ایران، ترجمه جواد فلاطوری، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
۴. انصاری، احمد (۱۳۸۱)، مخارج دولت و رشد اقتصادی، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
۵. بانک جهانی (۱۳۷۸)، نقش دولت در جهان در حال تحول، گروه مترجمین، موسسه پژوهشهای بازرگانی.
۶. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، حسابهای ملی ایران و ترازنامه، اداره حسابهای اقتصادی، سالهای مختلف.
۷. بیدرام، رسول (۱۳۸۱)، *Eviews* همگام با اقتصادسنجی، منشور بهره‌وری.
۸. خدارحمی، روح اله (۱۳۷۲)، تأثیر اندازه دولت بر رشد اقتصادی، رساله کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی.
۹. خمینی، روح الله (بدون تاریخ چاپ)، کتاب البیع، انتشارات اسماعیلیان.
۱۰. دادگر، یداله (۱۳۸۳)، تاریخ تحولات اندیشه اقتصادی (آزمونی مجدد)، دانشگاه مفید، چاپ اول.
۱۱. _____ (۱۳۸۶)، اقتصاد بخش عمومی، دانشگاه مفید، چاپ دوم.
۱۲. سامتی، مرتضی (۱۳۷۲)، اندازه مطلوب فعالیتهای اقتصادی دولت در ایران، رساله دکترا، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۳. _____ (۱۳۸۲)، «اندازه مقادیر بهینه فعالیتهای اقتصادی دولت ایران»، مجله تحقیقات اقتصادی، دانشگاه تهران، شماره ۶۲.
۱۴. صدر، محمد باقر (۱۹۸۰)، اقتصادنا، بیروت، دارالتعارف.
۱۵. صنیع دانش، علیرضا (۱۳۷۴)، بررسی علل بزرگ شدن دولت در ایران ۷۰-۱۳۵۰، رساله کارشناسی ارشد دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی.
۱۶. عسلی، مهدی (۱۳۸۳)، «تأثیر افزایش مخارج جاری دولت بر رشد اقتصادی کشور در یک مدل رشد ساده»، مجله برنامه و بودجه، شماره ۸۵.

۱۷. عیسی‌زاده، سعید (۱۳۷۳)، بررسی تجربی ارتباط بین رشد اقتصادی و سیاست‌های اقتصاد کلان در ایران، رساله کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
۱۸. غفاری، هادی (۱۳۸۳)، بررسی نقش دولت در نظام‌های اقتصادی، مؤسسه پژوهش‌های بازرگانی.
۱۹. قلی‌زاده، علی اکبر (۱۳۸۳)، «رویکردی برای تعیین اندازه بهینه دولت»، مجله برنامه و بودجه، شماره ۸۵.
۲۰. متوسلی، محمود (۱۳۷۳)، خصوصی‌سازی یا ترکیب مطلوب دولت و بازار، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
۲۱. میرزا محمدی، سعید (۱۳۷۰)، ارزیابی تأثیر هزینه‌های دولت بر رشد اقتصادی با نگاهی به وضعیت ایران ۶۷-۱۳۳۸، رساله کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
۲۲. نیلی، مسعود، مصلحی، سیده سلماز (۱۳۸۵)، «تأثیر فعالیت‌های دولت بر رشد اقتصادی: بررسی موردی ایران»، مجموعه مقالات شانزدهمین کنفرانس سالانه سیاست‌های پولی و ارزی، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
۲۳. هاشمی، میرجلال (۱۳۷۴)، تأثیر اندازه دولت بر رشد بخش‌های اقتصادی در ایران ۷۱-۱۳۳۹، رساله کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
24. Aly Hassan and Strazicich Mark, (2000), "Is Government Size Optimal in the Gulf Countries of the Middle East?", *WP* 250.
25. Bairam, Erkin, (1990), "Government Size and Economic Growth: The African Experiences 1960-85", *Applied Economic*, 22, (10), 1422-1435.
26. Barro, R.J, (1990), "Government spending in a simple model of endogenous Growth", *Journal of political economy*, 16, 103-125.
27. _____ (1991), "Economic growth in a cross section of countries", *Quarterly Journal of Economics*, 106, 407-444.
28. _____ (1997), *Determinants of Economic Growth: A Cross Country Empirical Study*, Cambridge MA: Harvard Institute of International Development.
29. Carr, J.L, (1989), "Government size and economic growth", *The American Economic Review*, 267-271.
30. Chao, C. P. and Herbert G, (1998), *Optimal Levels of Spending and Taxation in Canada*, the Fraser Institute, 53-68.
31. Diamond, Jack, (1989), "Government Expenditure and Economic Growth: An Empirical Investigation", *IMF Working Papers*.
32. _____ (1990), "Government Expenditure and Economic

Growth", *Finance and Development*, December, 34-60.

33. Folster, S and M. Hendrickson, (2005), "Growth effects of government expenditure and taxation in rich countries", *European Economic Review*.
34. Guseh, J.S. (1997), "Government size and economic growth in developing countries", *Journal of Macroeconomics*, 19, 175-192.
35. Garrett Thomas A and Rhine Russell M, (2006), "On the Size and Growth of Government", *Federal Reserve Bank of St. Louis Review*, January/February 88(1), 13-30
36. Heitger, B, (2001), *The Scope of Government and Its Impact on Economic Growth in OECD Countries*, Institute of World Economics.
37. Holcombe R, et al, (1998), *The Size and Function of Government and Economic Growth*, Joint Economic Committee Study April, 1-34.
38. Karras, G, (1993), "Employment and Output Effects of Government Spending", *economic Inquiry*, XXXI, 354-369.
39. _____, (1997), "On the Optimal Government Size in Europe: Theory and Empirical Evidence", *The Manchester School* LXV, (3), 280-294.
40. _____, (1996), "The Optimal Government Size: Further International Evidence on the Productivity of Government Services", *Economic Inquiry*, XXXIV, 193-203.
41. Landau, Daniel, (1983), "Government Expenditure and Economic Growth: A Cross-Country Study", *Journal Southern Economic*, 786-792.
42. _____, (1986), "Government and Economic Growth in the Less Developed Countries", *Economic Development and Cultural Change*, 35, October, 34-75.
43. Nourzad, F, (2000), "The productivity effect of government capital in developing and industrialized countries", *Applied Economics*, 32, 1181-1187.
44. Peden, Edgar A, (1991), "Productivity in the United States and Its Relationship to Government Activity", *Public Choice*, 69, 153-173.
45. Pevcin, Primoz, (2004), *Does Optimal Size of Government Spending Exist?*, University of Ljubljana Slovenia, 1-12.
46. Ram, R, (1986), "Government size and economic growth", *The American Economic Review*, 76: 191-203.
47. _____, (1989), "Government size and economic growth": *The*

American Economic Review, 79, 81-284.

48. Tanzi, V. and Schuknecht, L, (1997), "Reconsidering the Fiscal Role of Government: The International Perspective", *American Economic Review*, 87 (2), 164-168.
49. Vedder, R.K. and L.E. Gallaway, (1998), *Government size and economic growth*, Joint Economic Committee, Decemer 1998, 1-15.
50. Wahab, M, (2004), "Economic growth and expenditure: evidence from a new test specification", *Applied Economics*, 36, 2125-2135.
51. World Bank, (1997), *The world bank report on the growing poverty in the developing countries*, Washington, World Bank.
52. World Bank, (2004), *World Development Indicators*, (W.D.I 2004).
53. Yak ,Wing, (2005), "Government Size and Economic Growth: Time-Series Evidence For The United Kingdom", *Econometrics Working Paper EWP0501*, January.
54. Yasin Mesghena, (2001), "Public Spending and Economic Growth: Empirical Investigation of Sub-Shahran Africa", *Southwestern Economic Review*.
55. Yavas, Abdullah, (1998), "Does too much government investment retard economic development of a country", *Journal of Economic Studies*, 25(4), 296-308.